

وزارت تعلیم و تربیه  
ریاست تألیف و ترجمه

زبان و ادبیات دری  
برای صنف ۵

مولفان: عبد العلی تابع و عبد الرزاق روین

کابل، ۱۳۶۸

وزارت تعلیم و تربیه  
ریاست تألیف و ترجمه

# زبان و ادبیات دری

کتاب درسی

برای صنف ۵

مؤلفان : عبد العلی تابع و عبد الرزاق روین  
ادیتوران : عبد الغفور رحیل، سلطانغیر سلطانی و محمد آصف

رسام : محمد رفیق ایاز

کابل - ۱۳۶۸

## آوازه‌ها و حرفها

مشق ۱. کلمه‌های زیر را بخوانید و بنویس کنید و هنگام تلفظ به بسته شدن و باز شدن لبها و حرکت دیگر اعضای صوتی دقت نمایید:  
شیر، روباه، صلح، گل، ژاله، دل، کوشش، پیل، آرزو، برادر، راز، مرد  
انگور، صیب.

آوازه‌ها توسط حرفها نشان داده میشوند. آوازه‌ها را تلفظ میکنیم و میشنویم. حرفها را مینویسیم، میبینیم و میخوانیم.

مشق ۲. کلمه‌های زیر را بنویس کنید و بگویید، که هر کلمه از کدام حرفها ساخته شده است:  
مکتب، دانش، کتاب، ساعت، قلم.  
مشق ۳. کلمه‌های زیر را بنویس کنید و حساب نمایید، که هر یکی آن از چند حرف ساخته شده است:  
پدر، مهتاب، گل، شمع، خانه.

در زبان ما تعداد آوازه‌ها با تعداد حرفها برابر نمیباشد زیرا سه آواز بر، زیر و پیش تلفظ میشوند، اما نوشته نمیشوند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مشق ۴. کلمه های زیر را بخوانید و بگویید، که در کدام آنها کدام آوازهها تلفظ و کدام حرفها نوشته میشوند:

خرپوزه، کابل، درخت، شیر، سرخ.

نمونه: در کلمه کابل تعداد حرفها چهار و تعداد آوازهها پنج میباشد.

در بعضی کلمه ها تعداد آواز و حرف مساوی میباشد مثلاً در کلمه های بابا، دانا، کوه، میز، شیر، و آفتاب.

مشق ۵. کلمه های زیر را رونویس کنید و بگویید، که در کدام آنها تعداد حرفها و آوازهها مساوی و در کدام آنها مساوی نمیشد:

تربوز، چنار، کوزه، دریا، خرس، گندم، نان، نانوا، آلو

مشق ۶. جمله های زیر را بخوانید و کلمه های آنها را در دو ستون بنویسید. در ستون اول کلمه هایی را بنویسید، که تعداد آواز و حرف های شان مساوی میباشد و در ستون دوم کلمه هایی را بنویسید، که تعداد آواز و حرفهای شان مساوی نمیشد:

۱. بهترین دوست انسان کتاب است.
۲. اتحاد و همبستگی ضامن سعادت و کامیابیست.
۳. شریف و ناز و به تماشای فوتبال رفتند.

کلمه هایی که تعداد آواز و حرفهای شان مساوی نمیشد	کلمه هایی که تعداد آواز و حرفهای شان مساوی میباشد
بهترین	دوست

نمونه

مشق ۷. متن زیر را بخوانید و از آن ده کلمه بی رار و نویس کنید که تعداد آواز و حرفهای شان مساوی باشد:

یادم می آید، آنوقتها، من یگانه پسر خانه بودم، پدرم دو مستم داشت مادرم نیز مرا دوست داشت، چی بگویم در آن وقتها همیشه چیزهای خوب را به من میدادند. خوبترین غذاها را به من میخوراندند و من در مقابل این دوستی پدر و مادرم به سخنان آنها گوش میدادم، به مکتب میرفتم و درس میخواندم و هیچگاه کاری از من سر نمیزد، که آنها یعنی پدر و مادرم از من آزرده شوند. حالی من داکتر شده ام مردم خویش را تداوی میکنم.

مشق ۸. با هر یک از کلمه های افغانستان، آفتاب، کوه، زمین دهقان، ده، جمله ها ترتیب دهید و بنویسید:

مشق ۹. پنج کلمه بنویسید، که تعداد آواز و حرفهای شان مساوی باشد:

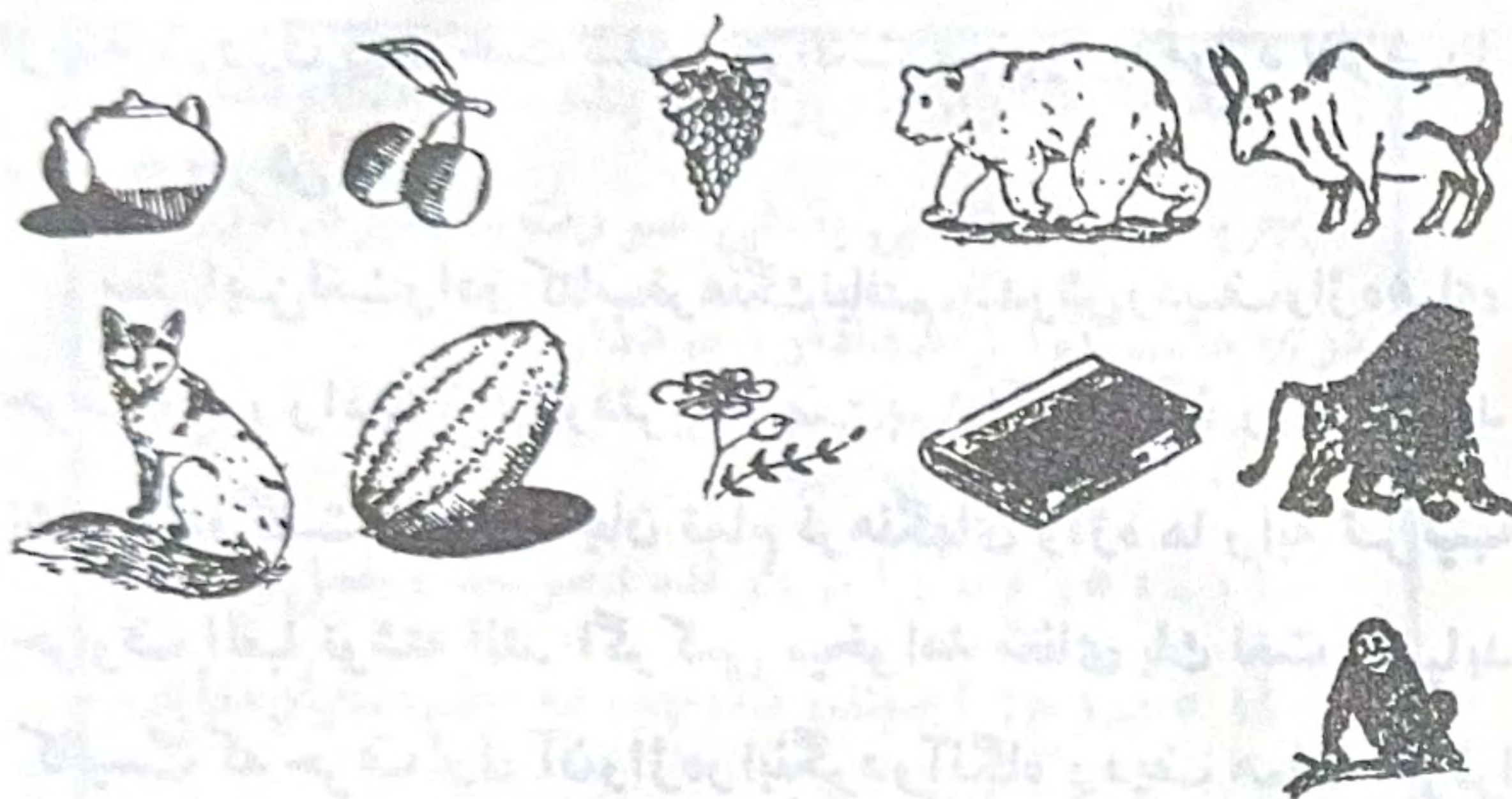
مثال: بادام

### الفبا

ترتیب معین حروف را الفبا میگویند. در الفبا هر حرف نام معین دارد. مثلاً الف، م، میم، ک، کاف... کلمه ها در فرهنگها و لغتنامه ها به ترتیب الفبایی نوشته میشوند. حفظ کردن الفبا برای هر کس ضروریست.

## الفبا و نام حرفها

مشق ۱۱ . به رسمها ببینید و نام آنها را به ترتیب الفبا بنویسید :



مشق ۱۲ . نامهای آن همصنفهای ثان را که میدانید به ترتیب الفبا

بنویسید :

مانند : آصف

مشق ۱۳ . میوه هایی را که میشناسید به ترتیب الفبا بنویسید :

مانند : آلبالو

مشق ۱۴ . نامهای گلهایی را که میشناسید به ترتیب الفبا بنویسید :

مانند : آفتابپرست

مشق ۱۵ . متن زیر را بخوانید و به سوالات آن جواب بنویسید :

### اهمیت الفبا

بگرو زجاوید با پدرش به کتابخانه رفت تا معنی واژه هایی را که نمیدانست، از کتاب فرهنگ و لغتنامه ها پیدا کند .

حرفها	نام حرفها	حرفها	نام حرفها	حرفها	نام حرفها
آ	الف مد	ر	ری	ق	قاف
ا	الف	ز	زی	ک	کاف
ب	بی	ژ	ژی	گ	گاف
پ	پی	س	سین	ل	لام
ت	تی	ش	شین	م	میم
ث	ثی	ص	صاد	ن	نون
ج	جیم	ض	ضاد	و	واو
چ	چی	ط	طوی	ه (ه)	هی
خ	خی	ظ	ظوی	ء	همزه
د	دال	ع	عین	ی	یا
ذ	ذال	غ	غین		
		ف	فی		

مشق ۱۰ . کلمه های زیر را بخوانید و آنها را به ترتیب حروف

الفبا در کتابچه خود رونویس کنید :

صبح، گاو، روباه، لب، سیب، چاپ، توت، دود، قاشق، باغ، جهان آداب، ثواب، مادر، خار، ابرو، شاخ، فرید، کار، حوض، ظالم، بیزار طریق .

جاوید فرهنگ را گرفت و با پالیدن واژه «عودت» پرداخت. بعد از چند بار ورق زدن خسته شده و نتوانست معنی واژه مورد نظرش را بیابد. به پدرش گفت:

معنی این لغت را در کتاب فرهنگ نیافتم. پدرش ردیف واژه‌های حرف «ع»، را دید و به زودترین فرصت پیدا کرد و آن را به جاوید نشان داد و گفت: جاوید جان تمام فرهنگهای واژه‌ها را به ترتیب حروف الفبا نوشته اند. اگر کسی میخواهد معنای يك لغت را بیابد کافیست که حرف اول آن واژه را بنگرد و آنگاه ردیف همان حرف را در کتاب فرهنگ بیابد.

جاوید از رهنمایی پدرش تشکر کرد و دیگر به مشکل پیدا کردن واژه بر نخورد.

۱. جاوید با پدرش به کجارت؟

۲. جاوید در پیدا کردن معنای کدام واژه به مشکل مواجه شد؟

۳. پدرش به جاوید چی کمک کرد و چگونه راهنمایی اش نمود؟

۴. جاوید به پدرش چی گفت؟

### آوازه‌های صدادار و هم صدا

#### صدادارها

مشق ۱۶. کلمه‌های زیر را بخوانید و به شکل برآمدن آوازه‌های

آ- ا- ا- ا- و- ی- از ذهن دقت کنید:

آرام - آمد - دانا - اظهار الاغ - روز - بید - پیر - انار

صدادارها آوازه‌هایی را میگویند، که به هنگام تلفظ آنها در جریان هوای تنفسی بندشی صورت نمیگیرد. در زبان دری هشت آوازه صدادار وجود دارد:

آ: آفتاب، داس، دیبا،

آء، -، ه، ع - : ابر، رنده، سرحد، عسل

ا، ه، -، ع: اسپند، که، چه، سه، علم، معیار، مایع.

ا، - : الاغ، اناق، بلبل.

و : شور، شبو، جور.

وو : توت، دود، آهو، ودود

ی : شیر (مایع)، مسیر، دیدی.

ی : شیر (حیوان)، دلیر، پنیر.

مشق ۱۷. جمله‌های زیر را رو نویس کنید و زیر حرفهای صدادار

خط بکشید:

۱. ما باید همیشه در پی آموختن علم و دانش باشیم.

۲. دریای آمو از بزرگترین دریاهاى کشور ماست که در سرحد

شمالی افغانستان جریان دارد.

۳. آب جویها پاک نبوده و نباید از آنها برای نوشیدن استفاده نمود.

مشق ۱۸. کلمه‌های زیر را بخوانید و آنها را هجا کنید:

آهو - برگ - زمین - بیرق - اشتر - پیاله

صدادارها هجایم سازند: در کلمه به هر تعدادی که آواز  
صدادار باشد به همان تعداد هجا می باشد.  
مثال: بره، اسپ، خر- گوش، خر- بو- زه

مشق ۱۹. متن زیر را بخوانید و کلمه های هلمند، آبیاری، وادی  
آرام، شاداب، سرزمین، مبدل را هجا و بعد رونویس کنید:

### وادی هلمند

در زمانهای قدیم در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری وادی هلمند  
یک منطقه شاداب و سرسبز بود. در این وادی برای آبیاری کشت و زراعت  
بندها و نهرهای زیادی ساخته شده بود. مردم آن دیار زنده گی آرام  
و آسوده داشتند. متأسفانه آن سرزمین شاداب و حاصلخیز در اثر  
چپاول چنگیز و تیمور لنگ به یک صحرای خشک سوزان مبدل گردید.  
مشق ۲۰. به رسم ببینید بعد به سوالهای زیر بنویسید

وزیر صدادارها خط بکشید:



۱. مادرچی میکند؟

۲. پروین و نسرین مشغول چی کاری هستند؟

۳. فرید کجا میرود؟ اوچی را با خود میبرد؟

۴. فرید و خواهرانش به مادرشان چی نوع کمک میبرسانند؟

### همصداها

مشق ۲۱. کلمه های زیر را بخوانید و هنگام تلفظ به طرز برآمدن

آواز از دهن دقت کنید:

چب، سبب، تب، شب، درد

هنگام تلفظ کلمه های بالا میبینیم که جریان هوا در دهان به مانعی

دچار میشود.

همصداها آوازهایی را میگویند که به هنگام تلفظ آنها در  
آنها در جریان هوای تنفسی بندش صورت میگیرد. در زبان  
دری آوازه های همصدا اینها اند: ب، پ، ت، ج، چ، ح، ش  
خ، د، ر، ز، ژ، ص، ث، ص، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن

مشق ۲۲. حرفهای زیر را در کتابچه خود رونویس نموده زیر

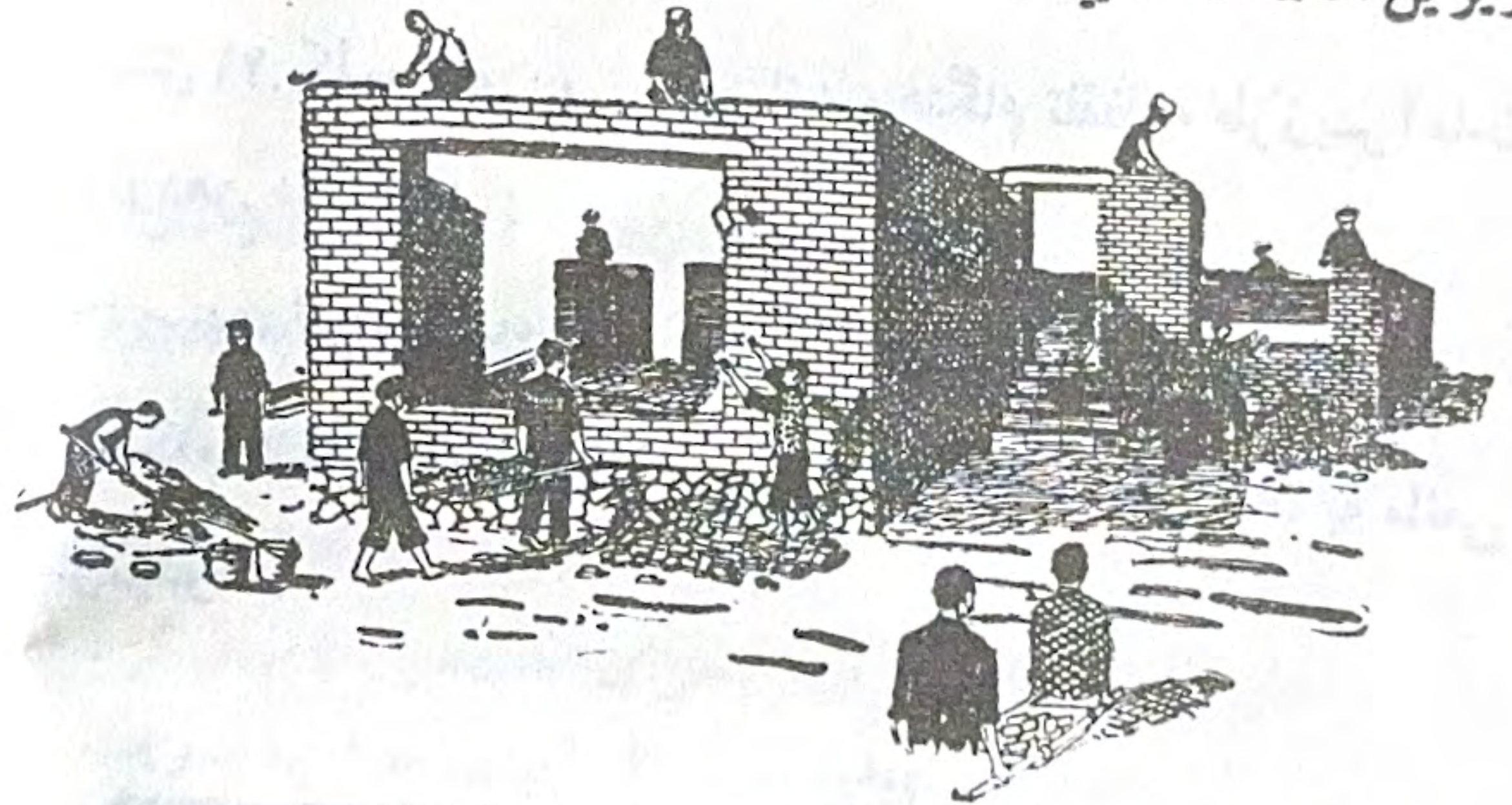
همصداها خط بکشید:

پ، چ، ژ، آ، خ، ن، ی، د،

مشق ۲۳. کلمه های زیر را و نویس کنید و از بین آنها هم صداها را  
صدا دار ها را نظر به حرف آخر آنها جدا نموده زیر به زیر بنویسید: خوی،  
تب، مرج، جوی، جای، نای، دست، پای، کار، گاو، خواب، آی،  
لت، خر، اسپ، جوان، روی، رفت، دریا.

مشق ۲۴. مضمون رسم را حکایت کنید و هنگام نوشتن از سو الهای

زیرین استفاده نماید :



۱. آدمها به چی نوع کارها مشغول اند؟

۲. در این رسم چی تصویر یافته است؟

۳. به شاگردان کار کردن چی فایده دارد؟

۴. آنها با چی کسانی کمک مینمایند؟

هجاء

مشق ۲۵. کلمه ها و تر کیبهای زیر را به دقت بخوانید: باد، مادر، مستان

پا، کارگر، گرما، به، زهر آگین، آب، پدر، تن، خانه، ناب، مو، هنگامیکه  
کلمه های بالا را تلفظ میکنیم متوجه میشویم که دهان ما گاهی یکبار،  
گاهی دوبار و گاهی سه بار بازو بسته میشود. مثلاً: در کلمه های آب  
ناب، باد، پاه، موتن، دهان ما یکبار باز میشود ولی در کلمه های مادر، پدر  
کارگر، خانه، دهان ما دوبار و در کلمه های مستانه، زهر آگین، گرما، به  
دهان ما سه بار بازو بسته میشود.

جدا شدن کلمه را به حصه های علیحده هجا میگویند.  
تعداد هجای کلمه وابسته به تعداد صدا دار ها میباشد.

مثلاً:

کبوتر = سه حصه یعنی = ک + بو + تر = سه هجایی صلع =

یک حصه یعنی = یک هجایی .

پخته - دو حصه یعنی - پخ + ته = دو هجایی .

مشق ۲۶. کلمه ها و تر کیبهای زیر را و نویس کنید و سپس بنویسید

که آن کلمه ها به چند حصه جدا شده است :

برگ - دادگر - خدمتگار - ساقه - بالا - دو ساله - رمیده - خنده -

سرد - خواب .

مشق ۲۷. متن زیر را بخوانید و به کلمه های المپیک، مسابقه،

پرش، رواج، مسابقه، ورزش - رواج، ژیمناستیک، والیبال، اطلاع،

کسالت، عرف و عادات، عبرت، روابط حسنه، دقت نموده هجا بنمایید:



فریدیکروز از پدرش پرسید: پدرجان، بازیهای المپیک چیست و در کجا شروع میشود؟

پدرش گفت: فریدجان، بازیهای المپیک عبارت از بزرگترین بازیهای ورزشیست که در جهان انجام مییابد. در این بازیها ورزشکاران بسیاری از کشورهای جهان، در چهار سال یکبار در یکی از گوشه های جهان گرد می آیند و با هم مسابقه میدهند و نیروی یکدیگر را امتحان میکنند. این را هم باید بگویم که بازیهای المپیک مسابقه تاریخی دارد. چنانچه در حدود دو هزار و پنجاه سال پیش ورزشکاران در محلی بنام المپیا که در کشور یونان بود گرد می آمدند و در مسابقات قهرمانی شرکت میکردند. این بازیها در اوایل مسابقه دوش کوتاه بود که بعد ها مسابقه کشتی گیری، پرش، نیزه اندازی و ارا به رانی نیز به آن علاوه گردید و ما امروز میبینیم که این بازیها تنها در کشور یونان محصور نمانده بلکه در همه جهان رواج پیدا کرده و بازیهای المپیک جهانی شد. بازیهای المپیک امروز نسبت به گذشته بیشتر شده است که شامل بازیهای: فوتبال، والیبال، باسکتبال، آب بازی، کشتی گیری، موتور رانی، گلوله اندازی، باسکل رانی، پینک پانگ، اسب سواری، خیز زدن، دوش، وزنه برداری، بکس، صکی روی برف، ژیمناستیک و غیره میباشد.

فریدوقتی از سرگشت آموزنده بازیهای المپیک اطلاع یافت دوباره پرسید که فایده این بازیها چیست؟

پدرش گفت: علاوه بر این که در ورزش، بدن انسان قوی و سالم میشود و انسان را از بیماریها و کسالت دور میسازد، دوستی، برادری و صلح را بین بشریت تقویت مینماید. در همین مسابقات است که مردم جهان از عرف و عادات و ترقیات و پیشرفتهای یکدیگر آگاه میگرددند و از آنها عبرت میگیرند.

مشق ۲۸: کلمه های زیر را رونویس نماید و بگوید چند هجایی اند:

حاجت، همت، جدید، پای، اکبر، آموزنده، سوزان

هجای باز و بسته

مشق ۲۹: کلمه ها و ترکیبهای زیر را به دقت بخوانید:

نمایشگاه، دهکده، گلستان، سنگلاخ، جویبار، فریبا، گرما،

جوی، پرورده، ستمگر، رخ، فریب، دروغ.

در کلمه های بالا نمایشگاه، دهکده، فریبا، گرما، جوی،

جای، پرورده، هجای باز و کلمه های گلستان، سنگلاخ، جویبار،

ستمگر، رخ، فریب، دروغ هجای بسته میباشد.

هر کلمه ای که به آواز صدادار ختم شود هجای باز

(دانا، بابا، مو، رو، پای) و اگر به آواز همصدادار ختم گردد

هجای بسته نامیده میشود (گپ، در، خر، بار، خار)

مشق ۳۰. جمله های زیر را رونویس کنید و زیر هر هجا های باز و بسته خط بکشید :

۱. تا زحمت نکشی ، راحت نمیایی .
۲. سهراب هر روز صبح گلدانها را آب میدهد .
۳. اخلاق نیک و خوبی و عادت خوب باعث سر بلندی انسان است .
۴. انسانیکه عاقل و هوشیار باشد ، کار بیهوده نمیکند .
۵. مملکت مایک کشور زراعتیست .
۶. سپورت کردن جسم را قوی و سالم میسازد .

مشق ۳۱. کلمه های زیر را بخوانید و آنها را به هجاهای تقسیم کرده رونویس کنید :

دادگر ، معلم ، پای ، عاقل ، نیرومند ، دانسته ، هوشیار ، کارگر ، زنده گی ، مرغ ، خر ، قاطر ، لایق ، بنفشه ، خردمند ، دادگستر ، عادل ، خانه ، نمونه : دادگر = داد - گر .

مشق ۳۲. شعرهای زیر را رونویس کنید و بگویید که کلمه های بیزار ، تنبل ، گریزان ، چست ، همت ، تدبیر چند هجایی اند :

هر کس که بود تنسل و بیکار بد است

بیکار به چشم خلق بسیار بد است  
زنهار که از کار گریزان نشوی  
از کار هر آنکه گشت بیزار بد است

باهمت سر دانه و با عزم درست

شاید پی کار خود کمر بندی چست  
کار تو بخو بی نپذیرد انجام  
گر فکر تو پست آمد تدبیر تو صحت  
(قاری)

مشق ۳۳. کلمه های زیر را رونویس نماید و در جمله استعمال کنید :

سرخ ، خردمند ، قوی ، آموزگار ، عادل

افاده معنی در کلمه

متشابه

مشق ۳۴. جمله های زیر را بخوانید و به معنای آنها توجه کنید :

۱. پرویز ، هر بار که به سؤالات معلم جواب میدهد سرور میشود .

۲. حیواناتی بارکش با بارگران راههای دور را طی میکنند .

۳. شاخه های درختان انار امسال بار زیاد دارد .

در جمله های بالا کلمه (بار) به سه معنای مختلف آمده است

مثلا در جمله اول به معنای دفعه و نوبت و در جمله دوم مقدار

جنسی را میگویند که قابل انتقال است و در جمله سوم معنای ثمر را

میدهد . این گونه کلمه ها را به نام کلمه های متشابه یاد میکنند .

کلمه های متشابه آن کلمه هایی را گویند که در شکل و تلفظ با هم یکسان بوده در معنی فرق داشته میباشند. ما چند کلمه دوش که هم به معنای دیشب و هم به معنای کتف (شانه) آمده است.

مشق ۳۵. جمله های زیر را در کتابچه خود بنویسید و زیر کلمه های متشابه خط بکشید.

۱. سهراب کتاب خود را به مسعود داد.
  ۲. حکومت جمهوری افغانستان داد مظلوم را از ظالم میستاند.
  ۳. شبان، از آمدن گرگ داد و فریاد به راه انداخت.
  ۴. کسانی که به خدمت وطن، میان بسته اند پیر و زمیشوند.
  ۵. در میان گلها، گل شبو خوشبو ترین است.
  ۶. مردم ما از آمدن بهار شادی کردند.
  ۷. شاگردان در باغ وحش شادی را دیدند.
  ۸. اکرم به اثر زحمت و کوشش زیاد در وظیفه موفق به اخذ نشان گردید.
  ۹. اثر آبله در دستش نشان کار زیادوی بود.
  ۱۰. شریف کارهای خانه گی خود را به معلم نشان داد.
- مشق ۳۶. در بیت های زیر کلمه های که در زیر آنها خط کشیده شده است به یک معنی بکار رفته اند شما معنای دیگر آنها را پیدا نمایید و در کتابچه خود در جمله های جداگانه استعمال کنید:

دیده به دیدار تو تاد و ختیم      درس محبت ز تو آموختیم

خور چو از چشم نهان گرد دو ماه اندر میخ

نشود تیره و او فروخته باشد به عیان  
 ۲. کلمه های متشابه (آهنگ، بر، سیر، سر، تار، میمون، شیرین، ماه رادر نظر داشته هر کدام آنها را در جمله علیحده به کار ببرید که معنای آنها از یکدیگر فرق داشته باشد:

۳. کلمه های چنگ و چنگ رادر جمله های زیر بخوانید و به معنای آنها دقت کنید:

فرید به نواختن چنگ مهارت دارد.

رستم پهلوان به کمر حریفش چنگ انداخت و به هوا بلندش کرد.

مترادف

مشق ۳۷. جمله های زیر را به دقت بخوانید و به کلمه های که در زیر آنها خط کشیده شده است توجه کنید:

۱. ایثار و فداکاری در راه حفظ وطن و وظیفه هر فرد وطنپرست است.

۲. سعی و کوشش در راه رسیدن به هدف انسان را موفق میسازد.

۳. غفلت و بیخبری انسان را به بدبختی میکشاند.

اگر جمله های بالا به دقت دیده شود معلوم میگردد که کلمه های

(ایثار و فداکاری، سعی و کوشش، غفلت و بیخبری هر یک مفهوم واحد را افاده میکنند مثلاً در جمله اول کلمه های (ایثار و فداکاری) دارای یک معنی میباشند.

## تماشای باغ

در یکی از روزهای بهار که از هر طرف سرور و خوشی میبارید  
اسد از برادر جوان خود فواد خواست که باهم یکجا به تماشای باغی  
که در نزدیک خانه شان بود بروند.

فواد خواهش برادر خود را پذیرفت و هر دو به طرف باغ رفتند

وقتی که به باغ رسیدند باغبان پیری را دیدند که مصروف نهالستانی بود.

اسد و برادرش بدون آن که مانع مصروفیت باغبان شوند به طرف

درختان بلند و پر شگوفه رفتند منظره زیبای باغ بسیار دلکش بود

آب سرد و شفاف در جویبارها روان بود پرنده گان خوشخوان که

بعد از سپری کردن ایام زمستان مناطق گرم آمده بودند به شاخچه های

سبز و پربرگ درختان میپرسیدند. نغمه سرایی این مرغکان خوشخوان

هر گونه غم و اندوه را از خاطر انسان دور میکرد. اسد و برادرش تا نزدیک

غروب به تماشای باغ مصروف بودند و پیش از آن که آفتاب غروب

کند به طرف خانه حرکت کردند و قبل از تاریکی شب به خانه رسیدند.

### متضاد ( متقابل معنی )

مشق ۴۱. جمله های زیر را بخوانید و کلمه های شب، روز،

سرد، گرم فرازونشیب) را در کتابچه خود بنویسید:

۱- در اول بهار شب و روز یک برابر میشود.

۲- در زمستان هوا سرد میشود و انسان به آب و هوای گرم ضرورت پیدا میکند.

کلمه هایی که در شکل از یکدیگر فرق داشته  
در معنی فرق نداشته باشند مترادف نامیده میشوند  
مثلاً کلمه های (آفتاب، خورشید، شمس- دنیا، جهان،  
گیتی- کلان، بزرگ، کبیر.)

مشق ۳۸. جمله های زیر را در کتابچه خود نوشته زیر کلمه های

مترادف آنها خط بکشید:

۱. ثبات و پایداری در مقابل مشکلات انسان را به پیروزی میرساند.

۲. مراقبت و خبرگیری از طرف باغبان سبب سرسبزی و شادابی

باغ میگردد.

۳. سهو رت دور شد و نموی جسم انسان بسیار مفید است،

مشق ۳۹. در جمله های زیر کلمه هایی را که زیر آنها خط کشیده شده

است در نظر گرفته مترادف های آنها را پیدا کنید و در کتابچه خود

به جمله های مناسب استعمال کنید:

۱. سیمین از کامیابی برادر خود شادمان شد.

۲. رئیس فابریکه کارگران را به کار تشویق و رهنمایی کرد.

۳. کلمه ذیل را در کتابچه خود بنویسید و سپس مترادف

آنها را پیدا کرده در مقابل آنها بنویسید:

شفقت، اندوه، کوچک، پند، وطن، زیبا، خانه، بیرق.

مشق ۴۰. متن زیر را بخواند و کلمه های مترادف را در کتابچه

خود مقابل هم بنویسید:

۳. انسان عاقل در برابر فراز و نشیب زنده گی از حد گذشته مغرور و مغرور نمیشود .

کلمه های که دارای معنی مقابل باشند متقابل یا متضاد نامیده میشوند . مثلاً سیاه ، سفید - بلند ، پست - گرم ، سرد روشن ، تاریک - صبح ، شام

بیت های زیر را بخوانید و در کتابچه خود بنویسید . سپس در زیر کلمه های متضاد آنها خط بکشید :

دشمن دانا که غم جان بسود  
بهنراز آن دوست که نادان بود

من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من  
تو نیک نبینی و به من بد فرسد

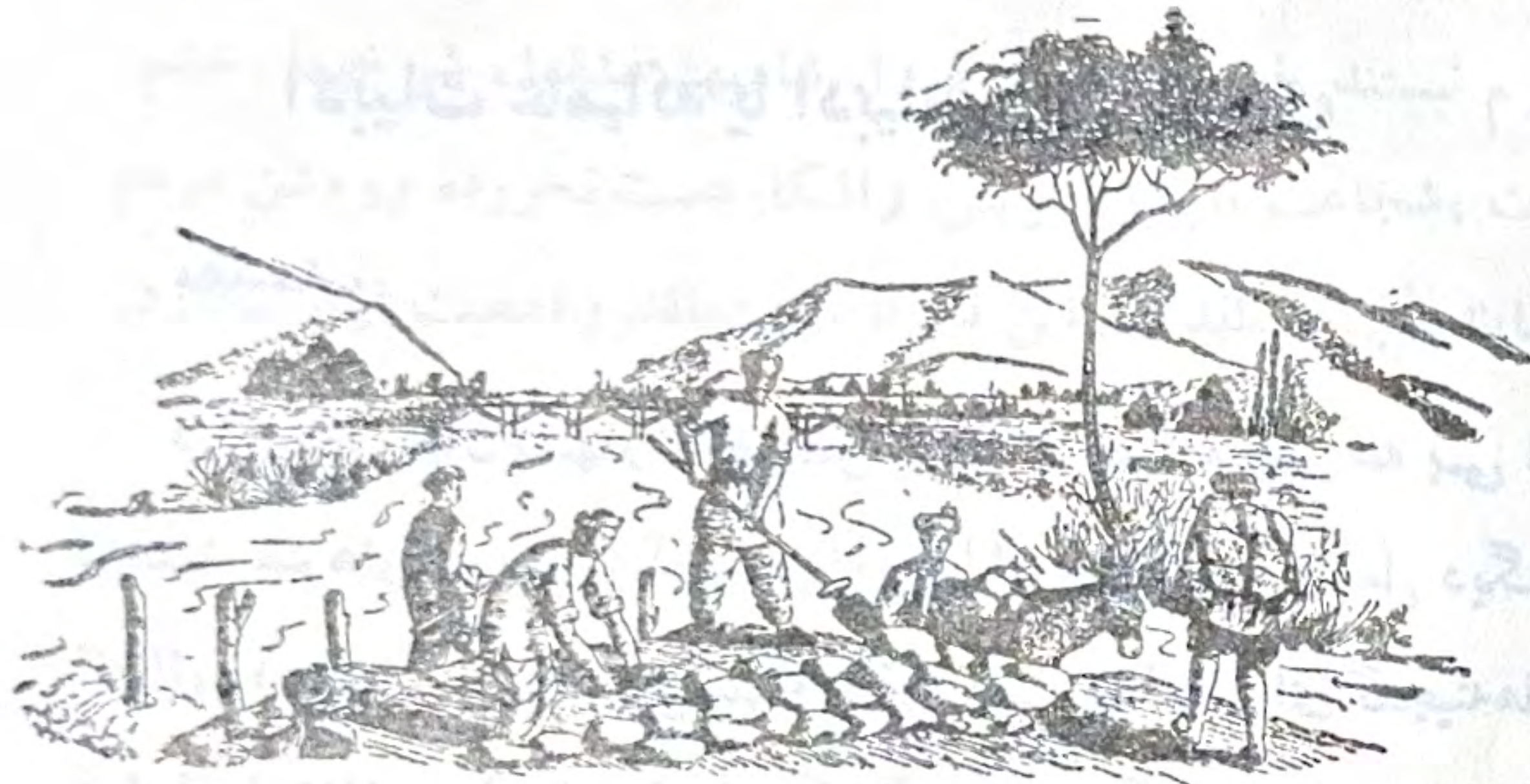
حدیث نیک و بد مانوشته خواهد ماند  
زمانه راستد و دفتری و دیوانیست

مشق ۴۲ . کلمه های نیک ، بد ، بالا ، فراز ، پست ، قوی ، سیاه ، هوشیار ، تازه را در کتابچه خود بنویسید و کلمه های متضاد (متقابل) آنها را پیدا کرده در جمله های مناسب به کار برید :

۲ : جمله های زیر را بخوانید و کلمه های متضاد (متقابل) را در کتابچه خود بنویسید :

۱. در تابستان روزها دراز و شبها کوتاه میشود .
۲. زنده گی انسان پر از خاطره های تلخ و شیرین است .

۳. علم و دانش نقاط تاریک زنده گیراروشن میکند .
۴. هر مشکلی به اثر قبول زحمت و کوشش آسان میگردد .



مشق ۴۳ .

۱. در این رسم کدام چیزها را میبینید؟
  ۲. مردم در اینجا به چه کاری مشغول اند؟
  ۳. بستن بند آب چه اهمیت دارد؟
- مشق ۴۴ . از ضرب المثلهای زیرین کلمه های متضاد (متقابل) را رونویس کنید :

۱. به آدم ناباور نیک و بد برابر .

۲. عقل که کور باشد از دیده بیناچی فایده .

۳. زیاد بدان و کم بگوی!

۴. سلام از خورد، کلام از کلان .

این ادبیات میراث مشترك و همه گانی يك جامعه است، که به اشخاص معین تعلق ندارد .

بنابر آن گوینده گان ترانه ها، افسانه ها ، چيستانها و ضرب المثلها معلوم نيستند. ادب شفاهی از غمها، شاديبها، عشقها، شو خيها، خشم، نفرت، شجاعت، مبارزه جویی و افسکار دست نخورده و روشن مردم مانماينده گی میکند و از این لحاظ در نزد ما قدر و اهميت فراوان دارد.

## افسانه

### هوشنگ و مراد

بودنبو دزیر آسمان کبود دو دوست بود: نام یکیش هوشنگ و نام دیگرش مراد. هوشنگ مرد راستکار و با وفا، ولی مراد آدم حيله - گرو دروغگویی بود.

هوشنگ يك روز اسب خود را سوار شد و به قصد شکار راه دشتها و جنگلها را در پیش گرفت .

در بین راه به دوست خود مراد رو برو شد. هوشنگ با دیدن مراد از اسبش پایین آمد و با او احوالپرسی کرد و پرسید، که قصد کجا را دارد. مراد گفت: من قصد سفر دارم، ولی چون تا این جا پیاده آمده ام، خیلی مانده و خسته شده ام. نزدیک است از تشنه گی بمیرم. خوب شد تو به سروقت من رسیدی. حالا به من کمک کن و اسب خود را برای چند

## ادبیات عامیانه یا ادبیات فولکلوری

مقدمه :

در تاریخ جهان ملتها و خلقها همواره برای خود مجموعه یی از دانشها و هنرها را به وجود آورده و آن را از يك نسل به نسل دیگر انتقال داده اند. در میان این ملتها و خلقها ملت ما نیز دارای گنجینه های فراوانی از دانش و ادبیات است، که تاریخ فرهنگ چندین هزار ساله کشور ما شاهد آن است.

باید بدانیم، که ادبیات هر کشوری دو گونه است :

۱. ادبیات نوشته شده

۲. ادبیات شفاهی

در این جا می خواهیم، درباره ادبیات شفاهی اندکی سخن بگوییم. ادبیات شفاهی، که به نام ادبیات عامیانه یا ادبیات فولکلوری معروف است، عبارت است از تمام آثار نوشته نشده ذوقی و هنری مردم يك جامعه مانند: افسانه ها، حکایتها، ترانه ها، شعرها، ضرب المثلها، لطیفه ها، رسم و رواجها، چيستانها، دوبیتها و . . .

دقیقه برایم بده ، تا هر چه زودتر خود را به يك چشمه رسانده قدری  
آب بفوشم و برگردم.

هوشنگ پذیرفت و اسب را به اوداد. مراد ، همین که بر اسب سوار  
شد اسب را قمعچین زد و به تاخت از نزد هوشنگ دور شد .



هوشنگ بر سر سنگی نشست و هر قدر انتظار کشید ، از مراد خبری  
نشد. هر اسان گشت و آهسته - آهسته به رفتن شروع کرد. آفتاب  
رو به غروب نهاده بود ، که هوشنگ به يك جنگل رسید. او دانسته بود ،  
که مراد به او خیانت کرده و اسبش را گرفته و رفته است و دیگر  
بر نمیگردد. حیران شد ، که چی کند و به کجا برود .  
تاریکی جنگل و کوه را فرا گرفته بود. هوشنگ از ترس ، آن ک

مبادا طعمه کدام حیوان درنده شود ، در یکی از غارهای کوه در آمد و  
در يك گوشه آن نشست ، تا شب بگذرد.

این را بگذار و از این بشنو ، که در این جنگل شیری و پلنگی زنده گی  
میکردند ، که با هم بسیار رفیق بودند. این دوروزها برای پیدا کردن  
طعمه و شکار به کوهها میرفتند و شبها در غار کوه ، که آشیان آنان بود ،  
میدرآمدند و میخوابیدند .

هوشنگ ، که خبر نداشت ، این غار آشیان همان شیر و پلنگ  
است ، بسی خجرا ز همه جا خواست بخوابد ، که ناگهان شرفه‌هایی را  
شنید و دید ، که شیر و پلنگی داخل غار شدند و به روی زمین دراز کشیدند .  
هوشنگ از دیدن شیر و پلنگ بسیار ترسید . آهسته خود را به پشت  
نخه سنگ درون غار پنهان ساخت . در دل خود گفت : اگر این حیوان -  
های درنده بدانند ، که من در این جا آمده ام ، فوراً مرا پاره - پاره  
کرده خواهند خورد .

ولی شیر و پلنگ از بودن هوشنگ در آن جا نفهمیدند ، چرا  
که مانند همیشه بایکدیگر داخل صحبت شدند .

شیر و پلنگ کرده گفت :  
همین درخت نوت ، که در پهلوئ غار است ، حالا بسیار کلان شده  
کسی نمیداند ، که در زیر این درخت چی گنجی نهفته است . اگر بنی آدم  
خبر شود ، آن را خواهد گرفت . من ، هر وقت که از زیر درخت میگذرم ،  
بسیار خوشحال میشوم .

پلنگ با صدای آرامتر گفت :

راست گفتمی، ولی من درختی را میشناسم، که برگهایش شفا بخش است. اگر در چشم کوری مالیده شود، پس از چند روز بینا خواهد شد و اگر بر روی زخم پاشیده شود، به زودی جور میشود. شیر پر سید :

آن درخت در کجاست؟ پلنگ گفت :

در میان همین جنگل در پهلوی همان تخته سنگ، بیا. درختی، که برگهای درخشنده و کلان - کلان دارد.

هوشنگ، که تمام گلهای شیر و پلنگ را شنیده بود، شب را با ترس و لرز گذشتاند. سحر، که شد، شیر و پلنگ از غار برآمدند و به دنبال کار و شکار خود رفتند. هوشنگ نیز از غار برآمد و زیر درخت توت به پالیدن شروع کرد.

ناگهان صندوقچه‌یی پر از طلا از زیر خاک پیدا شد. هوشنگ صندوقچه را در زیر بغل خود گرفت، به سوی جنگل روان شد و پالید، تا درختی را، که پلنگ نشانی آن را گفته بود یافت. برگهای درخت را جمع کرد و در یک خریطه انداخت.

هوشنگ، در حالیکه از به دست آوردن صندوقچه پر از طلا و خریطه پر از برگهای شفا بخش بسیار شادمان شده بود، از جنگل برآمد و رفت. رفت. رفت. هی میدان و طی میدان و خار مغیلان، تا رسید به یک شهر. وقتی که داخل شهر شد... از مردم شنید، که در این شهر دختری هست، که مثل ماه شب چهارده میدرخشد، ولی از دو چشم نابیناست و پدرش میگوید، هر که چشمهای دخترم را علاج کند، دختر خود را با او

عروسی میکنم و تمام هستی خود را به او میبخشم.

هوشنگ نزد پدر دختر رفت و گفت: من حاضر هستم، که چشم دختر شما را علاج کنم.

پدر دختر با شادمانی گفت: اگر این کار را کرده میتوانی، من همه دارایی خود را به تو میبخشم و دخترم را. نیز عروست میسازم.

هوشنگ از پدر دختر یک هفته مهلت خواست و شروع به کار کرد. هوشنگ برگهای شفا بخش درخت را، که با خود داشت، خشک کرد و آن را خوب کوبید. هر روز یک مقدار آن را در چشم دخترک نمابینا میکشید، تا آن که روز چهارم دختر ناگهان باخوشحالی گفت:

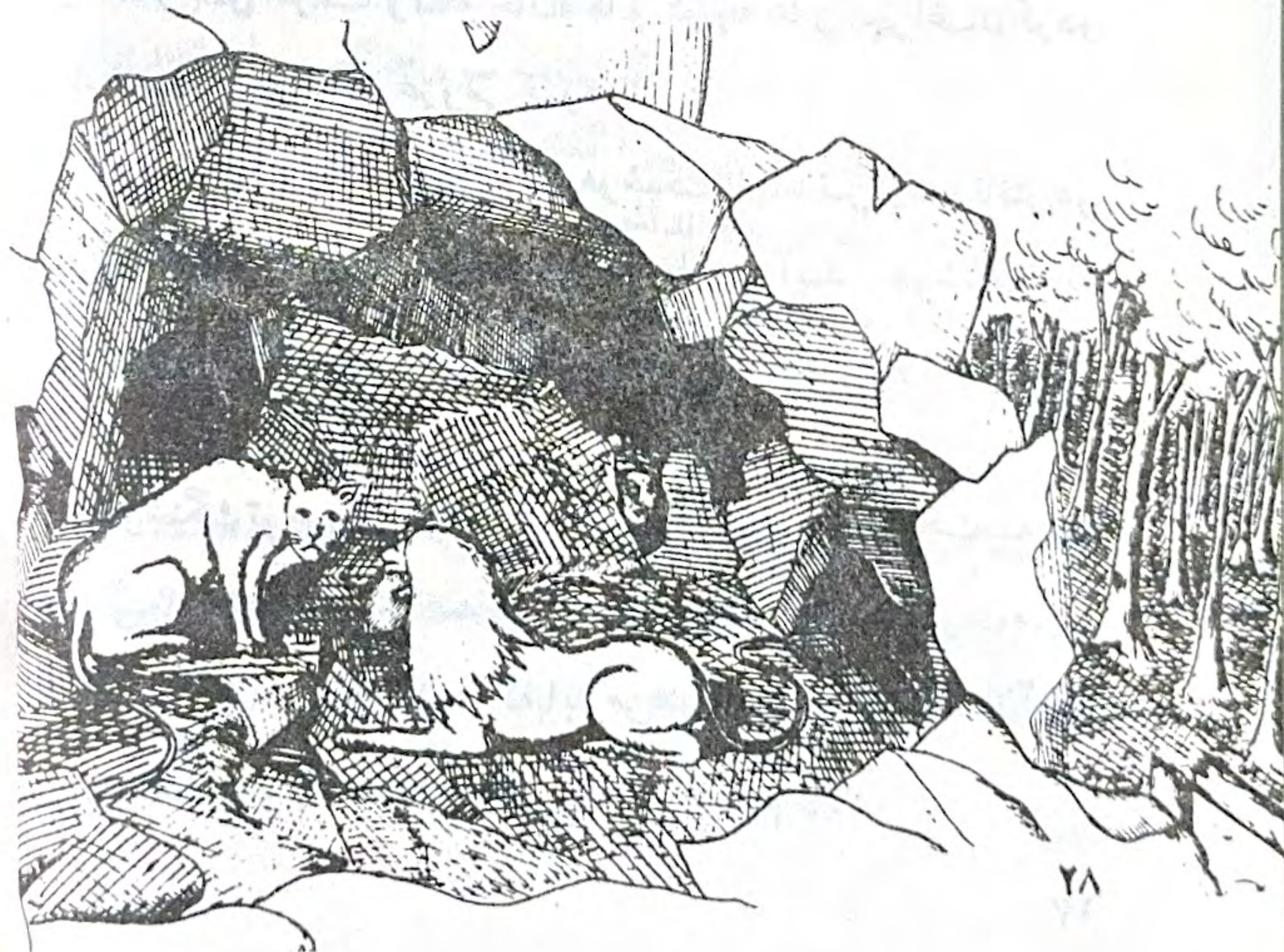
حالا من دیده میتوانم. چشمهای دختر زیبای شهر شفا یافته بود. پدر دختر جشن گرفت و تمام خانه ها و کوچه ها را چراغان کرد و دخترش را با هوشنگ عروسی نمود.

روزی از روزها، در حالی که هوشنگ با چند تن از دوستانش در شهر گردش میکرد، مراد را دید، که به سوی او می آید. هوشنگ ابتدا خواست، با او سخن نزند، ولی مراد نزدیک او آمد و از کرده اش عذر خواهی کرد. مراد گفت:

هوشنگ تو چی کار کردی، که این قدر آرام و خوشبخت به نظر می آیی؟ هوشنگ تمام قصه اش را از اول تا آخر یک به یک برای مراد گفت. مراد با خود فکر کرد، که باید من هم به همان جنگل و همان آشیان شیر و پلنگ بروم، بلکه چیزی به دست من بیاید.



پس از چند روز به دهانه همان غاری، که هوشنگ نشانی اش را گفته بود، رسید. به درون غار درآمد و در يك گوشه آن پنهان شد. شب، که شد، سرو کله شیر و پلنگ پیدا شد. شیر به پلنگ گفت: از روزی که آدمیزاد صندوقچه طلای زبردخت توت را برده است، من بسیار دق و خفه استم. پلنگ گفت: برگهای درخت شفا بخش را نیز کسی برده است، حالا طراوت آن درختك بسیار کم شده، من هم بسیار خفه و دق استم. هنگامی، که شیر و پلنگ با هم صحبت میکردند، ناگهان مراد را سرفه گرفت. هر چند کوشید، که سرفه نکند، ولی صدای سرفه اش بلند شد و در غار پیچید. شیر و پلنگ، که متوجه صدا شده بودند، به طرف مراد دویدند و در همان جا در میان غار مراد را پاره - پاره کردند. قصه ما به پایان رسید، بار کج به منزل نرسید.



پرسشها:

۱. وقتی که مراد اسپ هوشنگ را گرفت، چی وقت دوباره آن را پس آورد؟
۲. شیر و پلنگ درباره چی صحبت کردند؟
۳. هوشنگ از جنگل چی چیزها را یافت؟
۴. مراد چی کرد و در آخر چی شد؟
۵. هوشنگ چی کرد و در آخر چی شد؟
۶. يك دوست خوب چی صفاتی دارد؟

سپارشها:

۱. در برابر این کلمه ها متضاد آن را بنویسید:

دوست ... خشك ... طراوت ..

۲. در برابر این کلمه ها مترادف آن را بنویسید:

نابینا ... هراسان ... گله ...

هنگامی که از هم دورید چنان پندارید که همه یک وجود هستید و چون با هم جمع باشید چنان عمل کنید که هر یک به تنهایی بار قبیله را به دوش دارید به هر سرزمین که میرمید از صلح، صفا و صدق کار گیرید به قوت و نیروی خود منازید و به مال دیگران چشم مدوزید. از بازوی توانای خود کمک جوید. باد و ستان صادق باشید و بادشمنان حسابی عدل و انصاف را پیشه خود سازید و برضعفا متازید نسبت به انسان و حیوان مهربان باشید.

۲. با کلمه های «آتش، بخت، کشور، آسمان، کوه، برگ، جمله ها ترتیب دهید و به کتابچه خود بنویسید:

مشق ۴۷. شعر زیر را بخوانید آن را رونویس کرده مطلب شعر را بیان کنید و زیر ریشه کلمه های دو بیت اول خط بکشید:

بنگر به تجمل پسر من دگران را از دیده خود دور بکن خواب گران را  
بر بند چو مردان وطن دوست میان را از دست مده دامن صاحب نظران را

ای نور بصر از همه علم و هنر اولاست

در دوره امسروز هنر از همه اولاست

کلمه های هم ریشه

مشق ۴۸. جمله های زیر را بخوانید و ریشه کلمه هایی را که زیر آنها خط کشیده شده است بیان کنید:

## ترکیب کلمه

ریشه

مشق ۴۵. جمله های زیر را به دقت بخوانید و کلمه هایی را که به زیر آنها خط کشیده شده است در کتابچه خود بنویسید:

۱. مطالعه دو امدار فکر انسان را انکشاف میدهد.

۲. شریف تاریخ افغانستان را زیاد مطالعه کرده است.

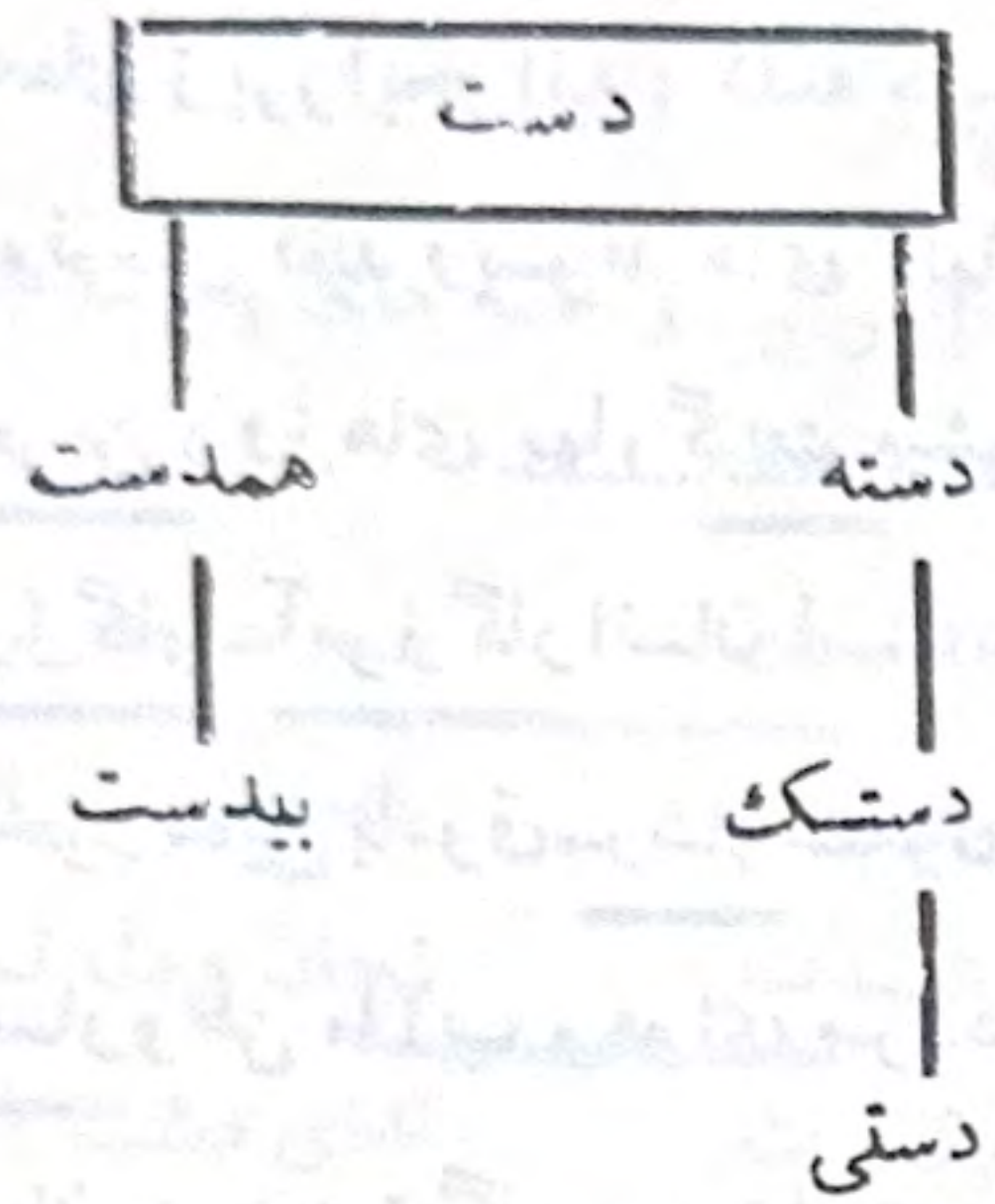
رازق دیروز از هرات آمد.

آن قسمت کلمه، که معنای اساسی را افاده کند، ویشه نامیده میشود.

مثل کسار، گل، مادر، زمین، صلح، کبوتر، مطالعه فکر، انسان، شریف، تاریخ، افغان، رازق، هرات.

مشق ۴۶. متن زیر را بخوانید و حصه کلمه هایی را که زیر آنها خط کشیده شده است در کتابچه خود رونویس کنید:

پیرمردی به فرزندانش چنین نصیحت کرد:



پسوند

مشق ۵۱. جمله های زیر را بخوانید و رونویس کنید و زیر اجزای «مند، بان، دان» در کلمه های (هنرمند، باغبان و گلستان خط بکشید:

۱. مسعود هنرمند خوب بیست.
۲. باغبان در باغ کار میکند.
۳. گلستان پر از گلهای خوشبوست.

آن جز، کلمه که پس از ریشه و پیوست به آن می آید و معنی را تغییر میدهد «پسوند» گفته می شود.  
مثلاً هنر، هنرمند - باغ، باغبان - گل، گلستان، پخته، پخته زار - کوه، کوهسار در این مثالها اجزای مند، بان، دان، زار، سار، پسوند میباشند.

۱. سعادت در فعالیت و کار نهفته است.
۲. کارگر تولید کننده نعمت های مادیست.
۳. انسان پر کار زودتر به مقصد میرسد.
۴. شخص بیکار را کس دوست ندارد.

کلمه هایی که دارای عین ریشه اند کلمه های هم ریشه نامیده میشوند. مثلاً در جمله های بالا از یک ریشه «کار» کلمه های (کارگر - پرکار - بیکار) به وجود آمده است.

مشق ۴۹. جمله های زیر را به دقت بخوانید و کلمه های هم ریشه را در کتابچه خود بنویسید و زیر ریشه آنها خط بکشید:

۱. آبهای سرد و خروشان به هر طرف روان است.
۲. در کشور ما حاصلات گندم آبی از گندم للمی بیشتر است.
۳. زمینهای بی آب را سیراب باید کرد.
۴. واحد باعلاقه زیاد به درس گوش میداد.
۵. شهلا به موسیقی علاقه مندی زیاد دارد.
۶. ر شید به اسپدوانی بیعلاقه است.

مشق ۵۰. از ریشه های زیر کلمه های هم ریشه بسازید:

راه، چشم، دل، هدف، ظاهر، خوش، برف، شاخ، وطن، خانه، دان، دست مثلاً از ریشه «دست» کلمه های هم ریشه زیر را میتوان ساخت.

مشق ۵۲. جمله‌های زیر را بخوانید، کلمه‌هایی را که زیرشان خط گرفته شده است رونویس کنید و پسوند های آنها را معین نمایید :

۱. هوا در آخرین روزهای بهار گرم‌تر می‌شود.

۲. گذشت روزگار آموزگار انسان است.

۳. دهقان سال خورده بی بادوق سروش مشغول خرمن کردن گندم بود.

۴. مناطق کوهسار و وطن ما آب و هوای سرد دارد.

۵. کاروان زمان به سرعت گام بر میدارد و به پیش می‌رود.

۶. آن وقت که صدای آبشار و نغمات دلانگیز سرخسار غمگینان

خوشخوان به دره می‌پیچید، من غرق تماشای طبیعت بودم.

۷. آن باغبان جوان در ترتیب گلها و ترتیب گلدانها زحمت زیاد

کشیده است.

مشق ۵۳. کلمه‌های زیر را در جمله بکار برده و رونویس کنید

وزیر ریشه‌ها خط راست (-) و زیر پسوند هانیم دایره بکشید :

۵. غمگین

۱. نیلگون

۶. شامگاه

۲. دمکده

۷. هدفمند

۳. نگهبان

۸. سخنور

۴. تاکستان

مثال : نیلگون

مشق ۵۴. با پسوند های زیر کلمه های جدید بسازید :

سار، بان، گین، ستان، ور، گر، گون.

مثال : : سار، کھسار

۲. بیت‌های زیر را بخوانید و کلمه های پسوند دار را در کتابچه

خود بنویسید زیر پسوند ها خط بکشید :

وطن ای نکونامت افغانستان هروایت خوش و منظرت دلستان

قسم بر سنگ سنگ سنگ کوهسارت که جان در راه حفظت میسپارم

منم بیاد د فرزند رشیدت زجان ودل ترامن پسا سدارم

وطن قربان نام باوقارت ندای دشت وکوه وسبزه زارت

(پیشوند)

مشق ۵۵. در جمله های زیر کلمه های پیشوند دار خط کشیده شده

است. شما آنها را در کتابچه خود نوشته معنی آنها را بیان کنید :

۱. گذاره نیک بامسایه ها وظیفه اساسی هر انسان است.

۲. سیمین یک دختر باعقل است.

۳. باید انسان در زنده گی ناامید نشود.

آن جزء کلمه که پیش از ریشه و پیوست به آن می آید

و معنی را تغییر میدهد «پیشوند» گفته میشود. مثلاً عقل-باعقل،

امید-ناامید، راز-همراز، سایه-همسایه-دان-نادان.

درین کلمه ها اجزای با، نا، هم، پیشوند میباشند.

مشق ۵۶. متن زیر را در کتابچه خود بنویسید و پیشوند کلمه

هایی را که زیرشان خط کشیده شده است جدا کنید :

### پسر هوشیار

اشرف يك جوان باهوش و با استعداد است. در مکتب با همصنفان و معلمین خود روش بسیار نیک دارد. به درسهای خود کوشش میکند. وظایف خانه گسی را هر روز اجراء میکند. و قتهای بیکاری خود را مصروف مطالعه کتابهای مفید و سودمند مینماید. از بازیهای بیفایده بیزار است. در خانه برای برادر و خواهر کوچک خود هم صحبت خوبست.

مثلا: باهوش = با + هوش

مشق ۵۷. بیتهای زیر را بخوانید و کلمه های «پیشوند» دار را در کتابچه خود بنویسید:

زنهار که بیجرت و بیکار مباش بر دوش کسان ز تنبلی بار مباش  
 تاهست نفس چاره نباشد از کار گرم رده نه ای صورت دیوار مباش  
 همنشینی بد از کتاب مخواه که مصاحب بود گه و بیگاه

ای هموطن که کار به نزد تو کارست

از کار رخ متاب که کار افتخارست

مشق ۵۸. جمله های زیر را بخوانید. کلمه های «پیشوند» دار را در کتابچه خود نوشته و در جمله های مناسب به کار برید:

۱. دستگیری از مردم و همدردی با آنها از صفات پیمندیده انسان است

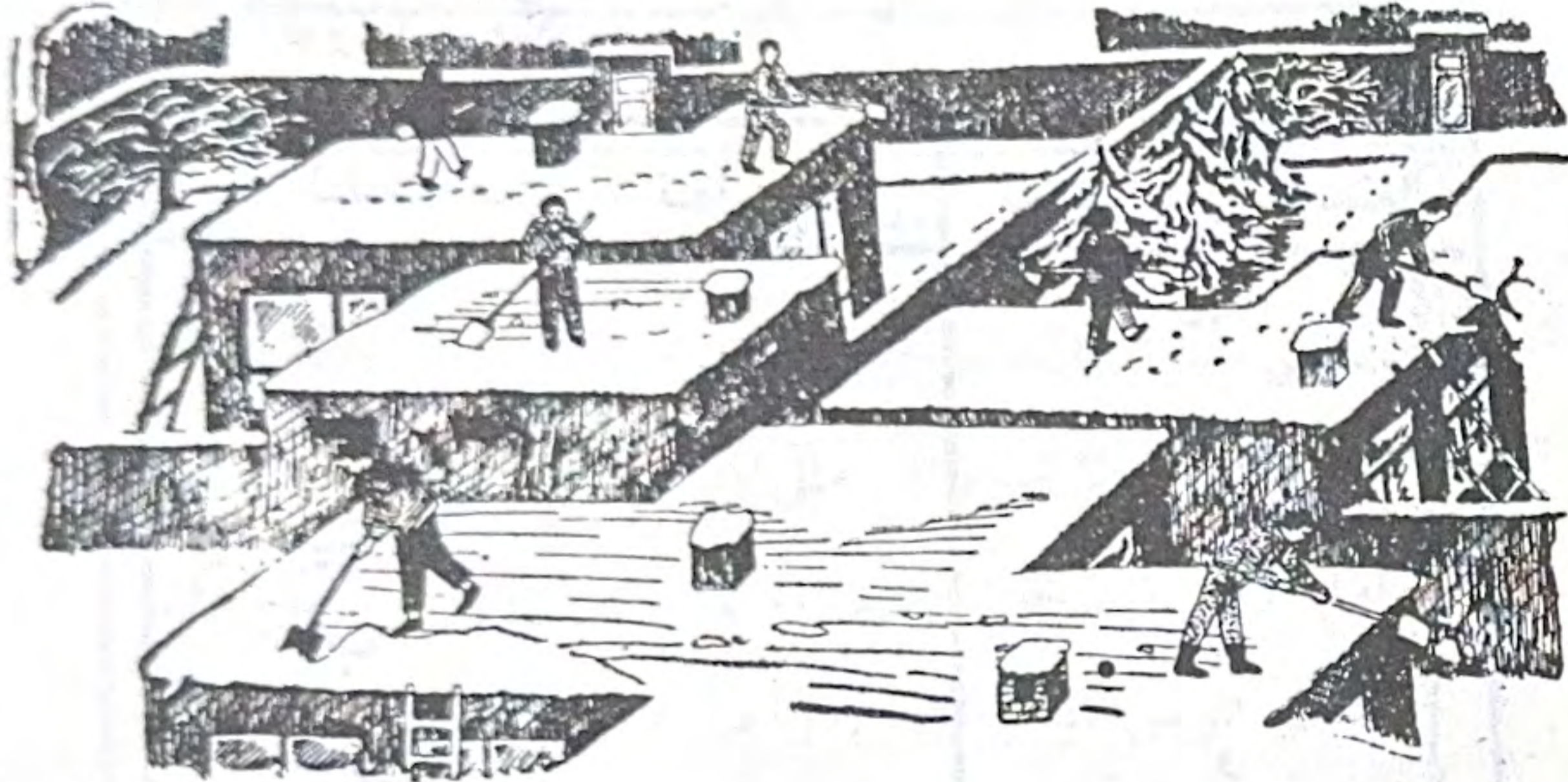
۲. کار و زحمت انسان امکان آن را میسر میسازد تا زمینهای بی حاصل با ثمر گردد.

۳. علم بی بحث بقا ندارد.

مشق ۵۹. با «پیشوند» های زیر کلمه های جدید بسازید:

هم - سر - نا - در - وا

مثال: وا - وانمود



مشق ۶۰.

در این منظره کدام فصل سال را تماشا میکنید؟  
 چند جماعه بنویسید:

### اجزای کلام (سخن)

کلمه های مستقل و نا مستقل

مشق ۶۱. متن زیر را بخوانید و ببینید کلمه های آن در یک جدول به دو قسمت جدا شده است:

### بهار

در بهار باران می بارد. آب باران به شکل جوی بر زمین جاری

میشود. جویها به هم میپیوندند و به شکل دریا جریان میکنند.  
 دهقانان با آب جویها و دریاها زمینها را آبیاری میکنند.  
 زیبایی طبیعت در بهار بیشتر میشود. درختان که از اثر باد خزان  
 سرمای زمستان جامه سبز خود را از تن بیرون کرده بودند در بهار  
 دوباره آن را به بر میکنند.

کلمه های مستقل معنی کلمه ها نیست که معنای  
 مستقل و کامل دارند، به پرسشها جواب میدهند و اجزای  
 جمله میباشند. مثل کلمه های (بهار، باران، بارید...) .

کلمه های نامستقل کلمه های نیست که معنای مستقل و  
 کامل ندارند بلکه برای وصل کردن و ارتباط دادن جمله و  
 کلمه ها به کار میروند. مثل (در، به، با، و، از، برای،  
 اما، ولی که، چون و زیر...) . مثال: جمله و ثریا در یک  
 صنف درس میخوانند. (در این جمله کلمه نامستقل «و»  
 دو کلمه جمیله و ثریا را بهم ارتباط داده است) آفتاب بر  
 آمد و هوا گرم شد. کلمه نامستقل «و» در اینجا دو جمله  
 ساده را بهم ارتباط داده یک جمله مرکب ساخته است.  
 همچنان کلمه نامستقل (در) کلمه های جمیله و ثریا را با  
 کلمه های «یک صنف درس میخوانند» ارتباط داده است.

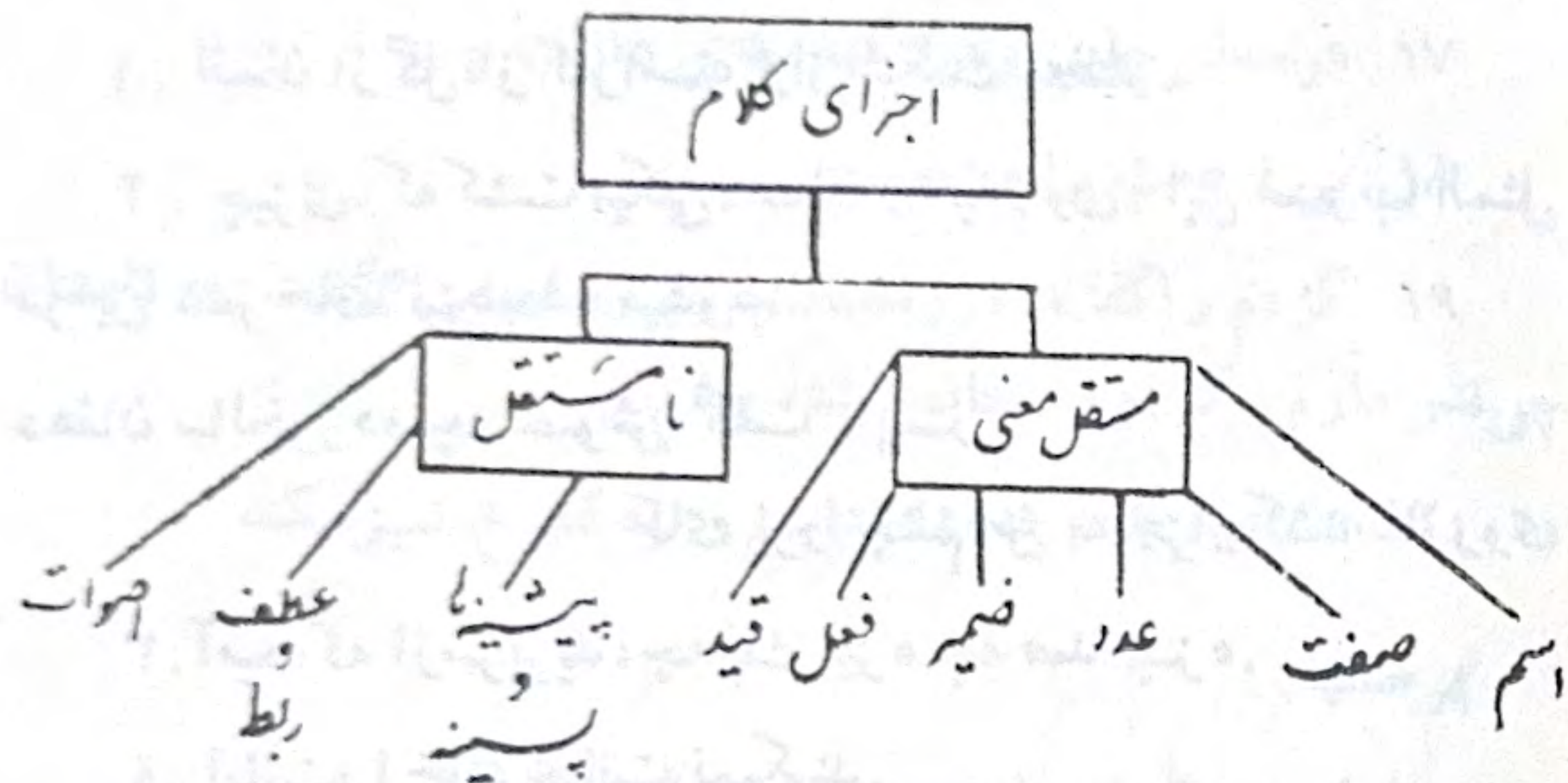
مشق ۶۲. جمله های زیر را بخوانید و کلمه های مستقل معنی و  
 نامستقل آن را مثل جدول زیر از هم جدا کنید و در کتابچه خود  
 بنویسید:

کلمه های مستقل	کلمه های مستقل معنی
در	بهار
به	باران
بر	میبارد
به	آب
و	شکل
به	جوی
با	زمین
در	جاری
که	میشود
از	دریا
و	دهقان
از	
در	

طوری که میباید در جدول بالا یک تعداد کلمه ها (مستقل معنی)  
 و یک تعداد کلمه ها (نامستقل) میباشند.

تمام کلمه‌های مستقل و نامستقل اجزای کلام (سخن) را تشکیل می‌دهند.

در زبان دری اجزای کلام به قرار شکل ذیل تقسیم شده است:



مشق ۶۴. بیت‌های زیر را بخوانید و کلمه‌های مستقل و نامستقل آن‌ها را جدا جدا در کتابچه خود بنویسید:

بهار افکنده در صحرا ز نعمت

دو صد چندان که قارون را دفین است

خمیده همچو خاتم شاخ گلبن

بران گل همچو باقوتی نگین است

(رشید و طواط بلخی)

که نکوناید از خرد مندی

من نگویم به ابرمانندی

تو همیبخشی و همیبخندی

او همی بخشد و همیگرید

(رشید و طواط بلخی)

کلمه‌های نامستقل	کلمه‌ها مستقل معنی
در	برگ
از	درختان

۱. برگ‌های درختان در موسم خزان جمال و زیبای بی خاصی دارد.
۲. طبیعت نسبت به هر فصل دیگر در بهار زیباتر میشود.
۳. سحرگهان پرنده‌گان از آشیانه‌های خود بیرون می‌آیند و با نغمه‌های شورانگیز مزده می‌دهند، که خورشید به زودی جهان را نورانی خواهد کرد.

مشق ۶۳. جمله‌های زیر را در کتابچه‌های خود بنویسید و جای خالی هر يك را با کلمه‌های نامستقل مطلوب پر کنید:

۱. برادرم... مکتب آمد... مادرم گفت گرسنه‌ام.

۲. بوعلی سینای بلخی یکی... شخصیت‌های معروف کشور ما است

۳. دیروز... پدرم... دیدن باغ بابر رفتیم.

۴. مثنوی مولانا جلال‌الدین... حیث کمیت... کیفیت بهترین

مثنوی ادب‌دری است.

## ضرب المثلها

۱. انسان از گل ناز کتراست و از سنگ سختتر.
۲. چیزی، که کشت میکنی، همان رامید روی. این ضرب المثل در این شعر حافظ نیز دیده میشود:  
دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر  
کای نور چشم من به جزاز کشته ند روی
۳. آب، که از سر پرید، چه يك نيزه چه صد نيزه.
۴. امانت را خاك خيانت نمیکند.
۵. برادر با برادر حسابش برابر.
۶. باماه نشینی ماه شوی، بادبگ نشینی سیاه شوی.
۷. بز در غم جان کندن، قصاب در غم چسب بود.
۸. آلوچه از آلوچه رنگ میگیرد، انسان از انسان.
۹. نزن به دروازه کس به انگشت، که کس نزنند، به دروازه ات به مشت.
۱۰. توبه مه که مه به تو.
۱۱. منزل در غم کوتاه است.
۱۲. شنیده کی بود، مانند دیده.
۱۳. کار را مصالح میکند، لاف را بی بی میزند.

۱۴. زخم شمشیر علاج میشود. زخم زبان نمی.
۱۵. بزرگی به عقل است، نه به سال و نه به مال.
۱۶. جوینده یابنده است.
۱۷. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.
۱۸. بی زحمت راحت نیست.
۱۹. گزدم را گفتند، در زمستان چرا بیرون نمایی؟ گفت: در تابستان چی قدر دارم، که در زمستان داشته باشم.
۲۰. دل دروگر، که نشد، داس را به کلوخ تمیز میکند.

### پرمشها:

۱. از ضرب المثل يك چی دانستید!
۲. معنای این ضرب المثل چیست؟
۳. این ضرب المثل در باره چیست؟
۴. چرا امانتداری خوبست؟
۵. این ضرب المثل چی معنی میدهد؟
۶. این ضرب المثل را به زبان ساده شرح کنید و يك مثال دیگر بیاورید.
۷. این ضرب المثل را چی وقت به زبان می آورید؟
۸. بگوئید، که انسانها چی طور از یکدیگر رنگ میگیرند؟
۹. این ضرب المثل چی معنی دارد؟
۱۰. این ضرب المثل را چی وقت استعمال میکنند؟
۱۱. چی معنی دارد؟



۱۲. حقیقت را چی وقت میتوانیم بدانیم؟  
 ۱۳. چرا لاف زدن بد است.  
 ۱۴. درباره این ضرب المثل چی میدانید؟  
 ۱۵. حقیقت انسان عاقل از روی چی شناخته شده میتواند؟  
 ۱۶. چی معنی دارد؟  
 ۱۷. یک مثال بدهید؟  
 ۱۸. زحمت کشیدن برای انسانها چی نتیجه به بار می آورد؟  
 ۱۹. چی وقت این ضرب المثل را به زبان می آورید؟  
 ۲۰. این ضرب المثل را در مورد چی گونه آدمهایی به کار میبرند؟

سپا رشا:

۱. ده ضرب المثلی را، که خوششان آمده یاد کنید.  
 ۲. چند ضرب المثلی را، که خودتان یاد دارید، در کتابچه هایتان

بنویسید.

### دو بیتیها

۱. نماز شام غربی رخ به من کرد دلم جولان زد و یاد وطن کرد  
 نمیدانم پدر کسرد یا برادر مرا گوشه نشین هر وطن کرد  
 ۲. نویسم نامه یی از بیوفایی بیخندم با پر مرغ هوایی  
 ببر مرغک به دست دلبرم ده بگو صد داد و بیداد از جدایی

۳. مسلمانان ببینید شب چه وقت است که بلبل مست و شیدای درخت است  
 که بلبل میپرد شاخه به شاخه جدایی مادر و فرزند چه سخت است  
 ۴. سه روزه رفته ای سی روزه حالا زمستان رفته ای نو روزه حالا  
 خودت گفתי سر هفته می آیم شماره کن بین چند روزه حالا؟  
 ۵. الیاباد صبای صر - صر من سلام از من پیر بر مادر من  
 دعایست میکنم از سوز سینه بیا مادر بیا بالای (۱) سر من  
 ۶. سر کوی بدن یکدانه گندم غریبی میکنم در ملک مردم  
 غریبی میکنم از خاطر بار نمینم مگم او رنگ زردم  
 ۷. گل صد برگ تباستان مادر فرار ملک ترکستان مادر  
 روان تو خطبه پاس آن که خوردی به طفلی شیر از پستان مادر  
 ۸. بهار آمد بهار آمد گل من زمان کشت و کار آمد گل من  
 بیا بار جان که در باغ برایم که گلها بشمار آمد گل من  
 ۹. الا باغوان به باغت کار دارم گلی چیده بته (۲) بیمار دارم  
 گلی چیده بته چیزی نگویی که مانند گلت یک بار دارم

### رباعیهای عامیانه

۱. شیرین یار جان از بن ملامت تو نترس در سایه گل نشین و از خار تو نترس  
 روزی که مرا به قصد کشتن ببرند مردانه قدم بزن و از دار تو نترس

\*\*\*

۱. بالای ۲. بده

## لطیفه ها

### دو تنبل

زن و شوهر تنبلی باهم زنده گی میکردند. آنها برای گذران زنده گی خو دیک گاو شیری داشتند، که از شیرش استفاده میکردند. شوهر روزانه گاو را به چرا میبرد و شام وقتی، که از صحرا پس می آمد، زن وظیفه داشت دروازه حویلی را بسته کند و گاو و گوساله را آب و علف بدهد. یک شب، که زن فراموش کرده بود، دروازه را ببندد، در وقت خواب به یادش آمد و به شوهر خود گفت: دروازه حویلی را بسته نکرده ام. امشب تو باید بسته کنی، که مبادا گا و ک مساذدی شود. مرد، که از او در تنبلی کم نبود، قبول نکرد. بعد از گفتگوی زیاد سر انجام به موافقه رسیدند، که شرطی ببندند، هر کس شرط را باخت مجبور است، هم دروازه را ببندد دو هم گا و گوساله را آب و علف بدهد. شرط این طور بسته شد، که هر دو چپ بنشینند و هر کسی، که او لتر گپ زد شرط را باخته است. بابتن این شرط این هر دو بر بستر خویش نشستند و تا نا وقت های شب نخوابیدند. هر کدام منتظر بود، که با گپ نزدن شرط را ببرد. پاسی از شب گذشته بود، که از قضا دزدی به سر وقت شان رسید. دزد دید کسی در خانه نیست، که جلو او را بگیرد، پس گا و گوساله را گرفت. نحو است تا اگر نك و تو کی دیگر هم باشد، ببرد. وقتی دروازه خانه را باز کرد دید دو نفر بر بستر نشسته و به جانب

۲. شبهای درازی تو بخوابم نامد صد فاله کدم از تو جوابی نامد  
از ناله من سنگ به فریاد آمد از سنگ جواب آمد از تو نامد

•••

۳. چشمان خود به ناز میگردانی مارا ز سر بریده میترسانی  
ماگر ز سر بریده میترسیدیم در مجلس عاشقان نمیرقصیدیم  
پرسشها: شماره های ادبیات را در نظر گرفته به این مطالب پاسخ دهید.

۱. این دوبیتی در باره چیست؟
۲. در این جا در باره چی سخن رفته است؟
۳. معنای این دوبیتی را به زبان خود بگویند؟
۴. در این جا گوینده از چی میخالد؟
۵. از این شعر چی دانستید؟
۶. شاعر از چی سخن گفته است؟
۷. در این جا کی به کی خطاب کرده است و از مخاطب چی خواسته است؟
۸. معنی کنید.
۹. از باغبان چی میخواهید؟
۱۰. در این رباعی شاعر به بار خود چی میگوید. هدف رباعی چیست؟
۱۱. گوینده از چه چیزی شکایت دارد؟
۱۲. گوینده درباره چی صحبت میکند و چی میگوید؟
۱۳. این رباعی عامیانه را از بو کنید.
۱۴. اگر دوبیتی یا رباعی دیگر یاد دارید، در کتابچه هایتان بنویسید.

او بل - بل مینگرند. دزد اول وار خطاشد، ولی دید از جای بر نمیخیزند.  
فکر کرد حتماً باید شل و گنگ باشند. دوباره با جرأت زیاد داخل خانه  
شد و هر چیزی، که قابل بردن بود، با خود گرفت و برد. باز هم هر دو  
چپ بودند. چون ساعتی گذشت، دزد با اموال دور شده بود. زن برانجام این کار به پول بیشتری ضرورت دارم، آن را برایم تهیه کنی.  
حوصله شد و گفت: بی غیرت مثلی که این دزد بود!

به مجرد آغاز سخن مرد با شادی و هلله گفت: دیدی شرط را امر کرد برای ملا چند کیسه طلا بدهند.  
بردم. حالا مجبور استی دروازه را ببندی. زن گفت:

حالا احتیاجی به بستن دروازه نیست. چه جز من و تو هیچ چیزی در  
این خانه نمانده است!

پرسشها:

۱. این دو مرد وزن چی وظایفی داشتند؟

۲. شرط آنان چی گونه بود؟

۳. در نتیجه چی واقع شد؟

۴. از این لطیفه چی پند گرفتید؟

سپارش:

اگر کدام لطیفه یا فکا می به یاد داشته باشید، برای همصنفان تان بگویید.

ملا نصر الدین و امیر تیمور

روزی امیر تیمور به ملا نصر الدین گفت:

ملا، این خر مرا میتوانی خواندن بیاموزی؟

ملا، که دید عجب سؤال سی از او شده، فوراً گفت:

دو شرط دارد!

گفت: بگو.

گفت: یکی آن که برایم ده سال مهلت بدهی. دوم این که چون برای

امیر تیمور گفت: هر قدر پول و مهلت، که میخواهی برایت میدهم و

ملا کیسه های زر را گرفت و بده خود رفت. مردم، که از موضوع

آگاه شده بودند، گریه ملا را گرفتند و گفتند:

ملا، خر چی طو و خواننده شده میتواند؟ امیر تیمور را مگر نمیشناسی؟

اگر نتوانی خر را خواندن بیاموزی، پوستت را خواهد کند. ملا گفت:

حالا این پولها را خرج میکنم! تا ده سال با تیمور لنگ میبیرد،

یا من میبیرم، یا خر میبیرد.



گنجشکک

از بالا اومی آیه

بوی پلومی آیه

خانه ره جارو کنین

مهمان نومی آیه

انگورک کشمی

سر گلبنه بشی

گلبنه ره او برده

گنجشککه خوبرده

گنجشکک طلایی

زرد و سفید و سیاهی

ایسوا و مو میبری

خار و خسه میبری

ترانه های کودکان

(۱)

لیلی لیلی حوضک

دور حوضک سوزک

پرسشها

۱. امیر تیمور به ملانصرالدین چی گفت و ملاچی جواب داد؟

۲. شرطهای ملاچی بود؟

۳. وقتی مردم ده از ملاعلت را پرسیدند، ملاچی جواب داد؟

۴. به نظر شما ملاهوشیار تر بود، یا امیر تیمور؟

۵. نتیجه رابه زبان خودتان بگویند.

سپارشها:

۱. این لطیفه را در کتابچه های تان یادداشت کنید.

۲. از پدر یا مادر تان بخواهید، تایک لطیفه خوب برایتان بگویند.

آن را در کتابچه تان بنویسید.

ترانه های عامیانه

-۱-

اوسانه سی سانه ، چل مرغکده یک خانه، آشر پختم دانه دانه

یک چمچه به بابسه دهقان دادم . بابسه دهقان بر ایم گندم داد

گندمه به آسیاوان دادم . آسیاوان بر ایم آرد داد ، آرده

نانو اادم ، نانو ابر ایم نان داد، نانه به استاذ دادم ، استاذ مرا کتاب

داد - کتابه خواندم ختم کردم - خدامره مراد داد .

گنجشک آمد او خورد

پایکش لکتو خورد

ای کشت

ای پوست کد

ای خورد

ای آمد که حق مه کو؟

گفت:

ده تاق بلفد

پشکک آمد

میو میو میو

(۲)

رفتم به باغ پسته

دیدم شغال نشسته

سنگی زدم به گوشش

مرواری گوشش شکسته

بقه گفت مه زر گرم مه زر گرم

طوق طلا به گردنم

شیر و شکر به چادرم

خبیر بیر به مادرم

بود نبود بدیار بود

کلوخ نبود شده بار بود

بکک بچه مامدیار (۱) بود

برای خوردن تیار بود

برای کار بیمار بود

ای اره ای تیشه

الاقیر و کمانچه

دیوار که کا فتم

سوزنکه یافتیم

گدی گکه ساختیم

### شکاری و گرگ

شکاری جان شکاری

تفنگ خالی داری

بگی بگی نشانی

مره زده فتانی

• • •

گرگسک برارم (۲)

تره غرض ندا رم

بروتو پشت کارت

نمیکنم شکارت

• • •

۱. محمد

۲. برادرم

برو بیدان شکاره  
بی جان نکو جانداره  
اگه شدم سرت قار  
میشی از دستم او گار  
حالی بین روزته  
می پرانم پوزته  
تک تک تک  
عوعوعو

صدار شها:

۱. شما هم مانند این ترانه ها چند تا پیدا کرده در کتابچه های تان بنویسید.
۲. این ترانه هارا از بر کنید.

### قوقو قو بر گک چنار

قوقو قو بر گک چنار	دختر اشپشته قطار
می چینن بر گک چنار	می خورن دانی انار
کاشکی کفتر میبوم	ده هواپر میزدم
آب زمزم میخوردم	ریگک دریا میچندم
کاشکی ماهی میشدم	ده اوراهی میشدم
دمو دریای کلان	پایی وجایی میشدم

قوقو قو قو  
کاشکی زاغک میبوم  
کله داغک میبوم  
میپریدم شاخ به شاخ  
ده باک باغک میبوم  
قوقو قو قو

### للوهای دو بیتی

آلوی خاروزار  
مادرت گشته بیمار  
ظلم نا کس بر سرش  
باییت رفته (چاریکار)

•••

### آلوی ابریشم

بزدوبارت مه میشم  
برایی سر بازار  
خریدارت مه میشم

•••

آلوچوچه من  
باییت اس سرخر من



### چیستانها

۱. چیستان چیست، که روز میگردد و شویک پشتکی خار می آرد؟



۲. چل تاق، چل مناق، چل چراغ چیست؟



۳. يك توتقه گل، تمام خانه کا هگل. چیست؟

۴. عف میزند، جف میزند، گرد خود يك قد برف میزند. چیست؟



برو کتیش کمک کسو

گوه ببرده چمن

\*\*\*

آلوی ما جبین

خونشو (۱) سرزمین

وخت فصل میرسه

کت ماخوشه بچین

پرسشها:

۱. مادرها چی وقت کود کانشان رالو میگویند؟

۲. چرا مادران قابل احترام وستایش هستند؟

۳. مادر و پدرها چرا فرزند انشان را دوست میدارند؟

سپارشها:

۱. معنای هر لورادر کتابچه هایتان بنویسید.

۲. از مادرهایتان خواهش کنید، که برایتان از لوهایی، که با

دارند، بگویند. شما آنها را در کتابچه هایتان یادداشت کنید.

۵. صندوقچه فلفلی نه قلف دارد، نه کلی؟

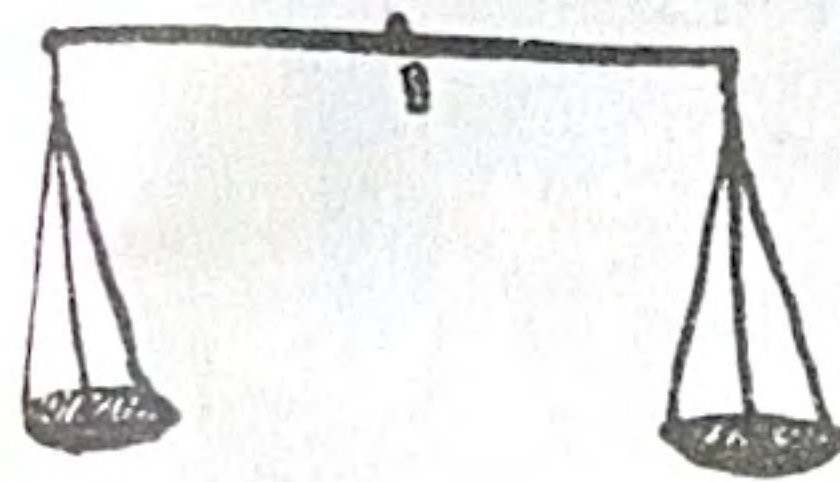


۶. دم دارد خون ندارد چیست؟



۷. يك اسب عجيب ديدم، كه شش پاود و سم دارد.

هجا يتر از ان بشنو ميان پشت دم دار د.



۸. رفتم در راه يافتم گياه، مغزش سفيد پوستش سياه. چیست؟

۹. آسمان پر ستاره دنگك - دنگك مياره چیست؟



۱۰. قدش به قلم مانه بويش به صنوبر.

شش نان فتيردا ره يك كاسه مزعفر (۱)



۱. اندوده به زعفران

پرمشها:

۱. مردم چرا گاهی يك به ديگر چيستان ميگويند؟

۲. شمابيشتر چيستانها را از كيهاشنيده ايد؟

۳. هدف از گفتن چيستانها چيست؟

سپارشها:

۱. در اين چيستانها برخي از آنها رسم ندارند. شما در مقابل آنها رسم چيستاني را، كه يافته ايد، بكشيد.

۲. در اين چيستانها آن تعدادي را، كه مربوط به ميوه هاست، شمار کرده در كتابچه هاي تان بنويسيد و فصل پخته شدن هر يك از آنها را يادداشت كنيد.

۳. اگر چيستاني يادداريد، براي همصنفان تان بگويد.

ترانه

ما از بلكان هزاره گان پشتون و ترك و تاجكان

پرورده اين گلشنيم گلدسته اين بوستان

افغانستان - افغانستان

ما زيم ما اي دوستان زين پس به رغم دشمنان

برجاي آن نظم كهن جمهوري نسل جوان

افغانستان - افغانستان

پرمشها:

۱. افغانستان از کدام اقوام و مليتها ساخته شده است؟

۲. منظور از نظم كهن چيست؟

۳. ما چي طور ميتوانيم، كشور خود را آباد بسازيم؟

سپارش:

اين ترانه را از بر كنيد.



## اسم

### تعریف اسم

مشق ۶۵. جمله های زیر را بخوانید. کلمه هایی که زیر آنها خط کشیده شده است نام کسی، نام حیوانی یا نام چیزی را به ما نشان میدهد:

۱. زهره بابرادرخود مشغول توپ بازیست.

۲. قلم از ستایش مناظر طبیعت عاجز است.

۳. آمدن غچیهار سیدن بهار را اعلام میکنند.

آن جزء سخن را اسم میگویند که بدان شخص یا حیوان یا چیزی را مینامند. اسم به سوال کی، کیها چی و چیها جواب میدهد.

در جمله های بالا کلمه های زهره، برادر، توپ، قلم، مناظر، طبیعت، غچیها و بهار اسم میباشند.

در زبان ما پرسش کی و کیهارا برای مردمان و پرسش چی و چیهارا برای اشیا به کار میبرند. مثلاً: کی؟ شریف

زهره، حبیب. کیها؟ شاگردان، دختران، پسران. چی؟ درخت، موتر، آب، زمین،

چیها؟ - کوهها، درختان، گلها - میزها.

مشق ۶۶. جمله های زیر را در کتابچه خود بنویسید و بعد زیر اسمهای آنها خط بکشید:

۱. عالم بیعمل زنبور بیعسل را ماند.

۲. مشک آن است که خود بیوید نه آن که عطار بگوید.

۳. دانا چون دکان عطار است خاموش و هنرنمای.

۴. نادان مثل طبل است بلند آواز و میانتهی.

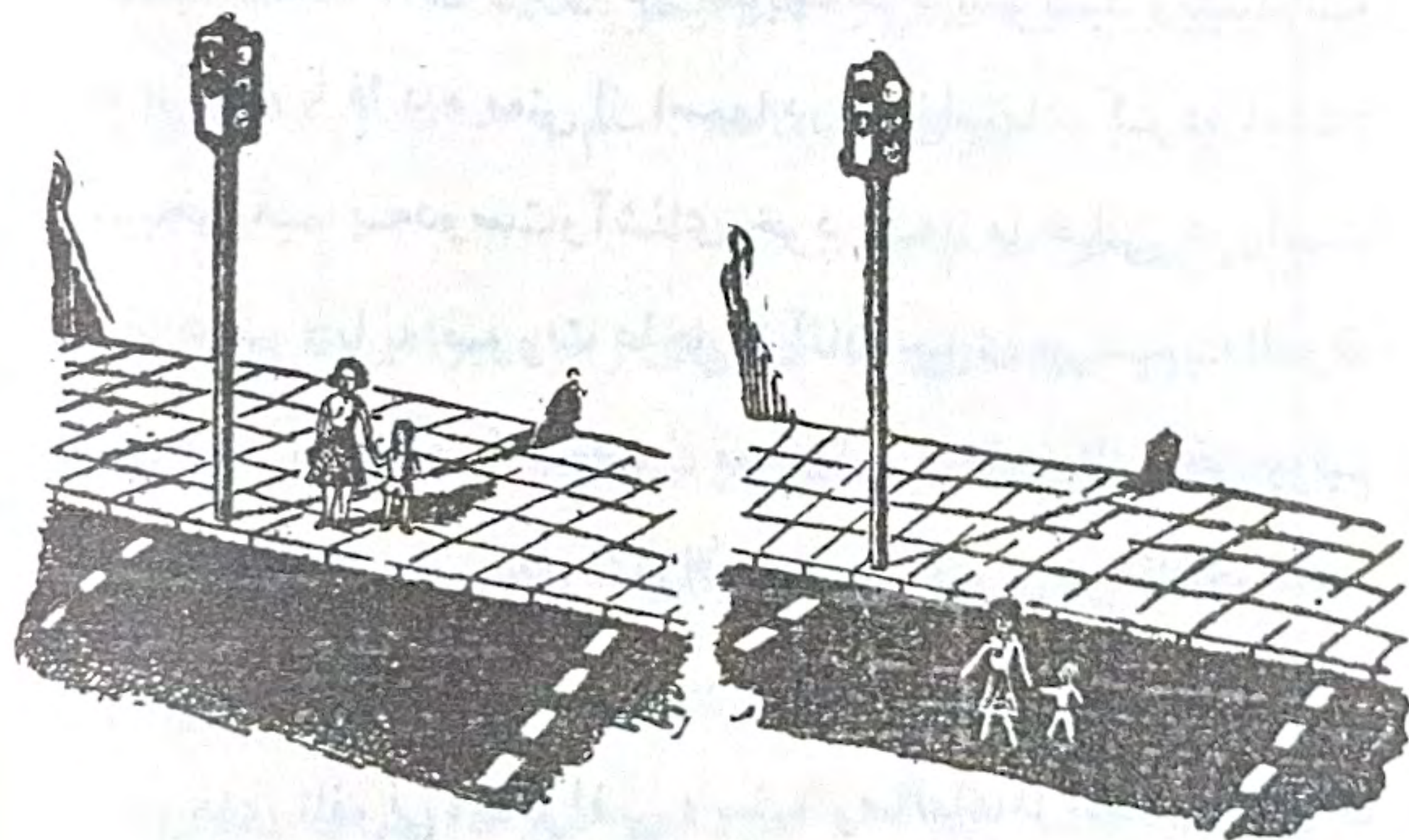
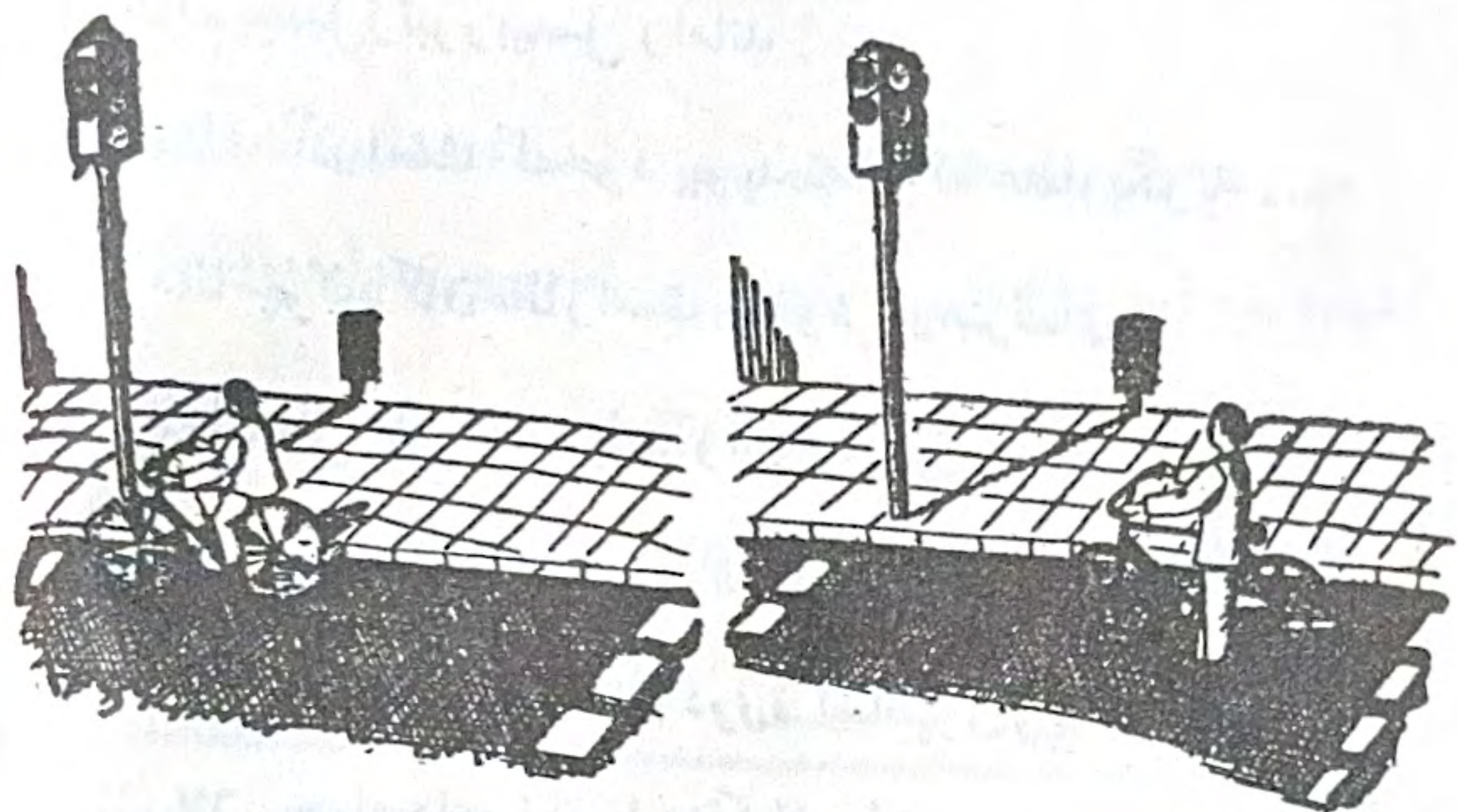
۵. رود کی شاعر بلند پایه و پرافتخار زبان دریست.

۶. رستم قهرمان داستانهای دوره اساطیری و پهلوانیست.

مشق ۶۷. جمله های زیر را در کتابچه خود بنویسید و ببینید که نویسندگان برای افاده معنی از اسمها در کجا استفاده کرده است: اگر بخواهیم به دوست و آشنای خود که از ما خیلی دور است خبری بفرستیم و یا به صورت عاجل از آنان چیزی پرسیم به تلفون خانه میرویم. بعد از آن که محصول معینه را برداشتیم با او سخن میزنیم علاوه بر تلفون به وسیله پسته و تلگراف نیز میتوانیم از دوستان خود خبر بگیریم.

برادرهای تلفونی، تلگرافی و پسته رسانهای ما شب و روز برای آرامی ما کار میکنند. پس بر ماست که به آنان معاونت نماییم، یعنی لینهای تلفون را حفاظت کنیم و از تلفونهای منازل بیجا و غیر ضروری استفاده ننماییم.

مشق ۶۸. مضمون رسم زیر را بنویسید و به زیر اسمهای که در نوشته تان به کار میبرید خط بکشید:



۲. چرا پسرک متوجه چراغ سرخ است؟

۳. روشن شدن چراغ زرد چی معنی دارد؟

۴. روشن شدن چراغ سبز چی معنی دارد؟

### اسم خاص و اسم عام

#### اسم خاص

مشق ۶۹. جمله های زیر را بخوانید و ببینید که در هر جمله زیر یک تعداد کلمه ها خط کشیده شده است:

۱. زهرة و برادران او پرویز و لطیف در مکتب درس میخوانند.

۲. کوههای شیردر وازه و آسمایی در شهر کابل واقع شده است.

نام اشخاص و اشیای معین را اسم خاص میگویند.

اسم خاص همیشه مفرد بوده و جمع نمیشود.

مثال: زهره پرویز لطیف شیر در وازه

آسمایی و کابل

مشق ۷۰. در زیر دسته های گوناگون «اسم خاص» را مطالعه میکنید که در مقابل هر دسته چندین (اسم خاص) به طور نمونه داده شده است:

۱. اشخاص معروف: بوعلی سینای بلخی ابوریحان بیرونی

و تولستوی.

در هنگام نوشتن مضمون از این سؤالا استفاده کنید:

۱. چرا چراغهای ترافیکی را در چارراهها نصب میکنند؟

نیز استفاده کنید. در بازگشت خود یکی از شما در پکتیا خیمه زنید  
و دیگر تان به لغمان..

### اسم عام

مشق ۷۲. جمله های زیر را بخوانید و به کلمه های که زیر آنها  
خط کشیده شده است دقت کنید:

۱. گنج بی رنج به دست نیاید.
۲. گردش روزگار دفتر کار و کردار انسان است. بکشید  
تادران دفتر نام خود را به نیکی و آزاده گی و مردانه گی ثبت نماید.
۳. باد و زید و درخت را شکست.
۴. کارگران اطفائیه آتش را خاموش کردند.
۵. بعضی مردم در شهر و بعضی دیگر در دهکده زنده گی میکنند.  
در جمله های بالا کلمه های: گنج، دفتر، انسان، باد، درخت،  
آتش، دهکده که نام اشخاص و چیز معینی را نشان نمیدهند، اسم عام  
نامیده میشوند.

اسمهای هموع را اسم عام میگویند. اسمهای عام  
به چیزهای خاص و معین دلالت نمیکند مثال:  
دست، دفتر، انسان، باد، درخت، آتش، شهر.

۲. شهرها: کابل، کندهار، ماسکو و پاریس

۳. مملکتها: افغانستان، اتحاد جماهیر شوروی

۴. دریاها: هریرود، هلمند، آمو، والگا

۵. بحیره ها: مدیترانه، کسپین

۶. اوقیانوسها: اوقیانوس اطلس، اوقیانوس هند

۷. سیاره ها: عطارد، زحل، زمین، مریخ

۸. کتابها: کلیله و دمنه، سپید دندان، قانون، بوستان

۹. روزنامه ها: انیس، کابل نیو تایمز، هیواد، پیام.

۱۰. مجله ها: عرفان، آریانا، ژوندون، میرمن، اکنون شما برای

هر دسته از اسمهای خاص فوق مثالهای دیگر پیدا کنید و هر کدام  
آنها را در کتابچه خود بنویسید:

مشق ۷۱. متن زیر را رونویس کنید و زیر اسمهای خاص

خط بکشید:

### نصیحت

پیر مرد به فرزندان خود شریف و اسد چنین نصیحت میکرد.  
پسران عزیز! سخنان مرا به گوش هوش بشنوید.  
همیشه با هم متحد باشید. رمه بی که به شما باقی گذاشته ام در  
حال تسکیر بوده امکان چرای آن مانند سابق در کوه های بهسود و  
وبامیان نیست. علاوه از کوه های مذکور از چراگاه های ناور و بالستان

مشق ۷۳. چیستان زیر را بخوانید و رونویس کنید وزیر اسمهای  
عام آن خط بکشید:

### چیستان سیب

چیست آن قصر بیدر و روزن  
شکل او همچو هیأت گردون  
هست قصری به پنج صفت و لیک  
فن او شادایی دلست و جز او  
رنگ او را گمانبری که مگر  
جسته اندر دهان او تیری  
مشق ۷۴. متن زیر را بخوانید و تنها اسمای عام آن را رونویس  
کنید:

افغانستان یک کشور زراعتیست. اکثر مردم این سرزمین مالدار  
دهقان استند. بیشتر مردم ما از محصولات حیوانی مانند:  
پنیر، شیر، ماست، گوشت، و روغن استفاده نموده از پشم،  
پوست، روده و شاخ حیوانات نیز استفاده میکنند، که بخش عمده  
صادرات وطن ما را تشکیل میدهند.

مشق ۷۵. با اسمهای عام زیرین جمله ترتیب دهید و بنویسید  
کوه، کشتی، مادر، بیرق و ستاره  
مشق ۷۶. بیت های زیر را بخوانید اسمهای خاص و اسمهای عام

وادر آن پیدا کنید. سپس جد و لسی که دوستون داشته باشد بسازید  
به یک ستون آن اسمهای خاص و به ستون دیگر آن اسمهای عام را  
بنویسید:

### وطن

وطن، ای نگو نامت افغانستان  
ز بس دارد از گردش دهر یاد  
به عالم بلند است نام هرات  
بسد خشنانت از لعل شد سرخرو  
چه خوش فیض جار بست با میرند  
ثمر خیز از بس بود کند هار  
گر شک و فراه تو معمور باد  
هرایت خوش و منظرت دلستان  
لقب یافت بلخ توام البلاد  
می علم و عرفان به جام هرات  
بود معدن لاجورد اند رو  
که تازه است از مزرع کثمنند  
خجل ساوه را میکند از انار  
ز خاکت پراکنده گی دور باد

### اسم مفرد و جمع

#### اسم مفرد

مشق ۷۷. به جمله های زیر دقت کنید:

۱. معلم به درس دادن آغاز کرد.

۲. شمع در اثر وزش باد خفیفی خاموش شد.

۳. آن درخت سایه دارد.

## اسم جمع

مشق ۸۱. جمله های زیر را بخوانید:

۱. معلمان به درس شروع کردند.

۲. شمعها خاموش شدند.

۳. درختان سایه دارند.

اسم جمع آنست که بریش از یکی دلالت کند. مثال:  
معلمان، شمعها، درختان، میزها، گدبها و گوسفندان

در زبان دری اگر بخوایم اسم مفرد را جمع بنویسیم  
در آخر آن پسوند، آن، گان، یان، وان، یاها، میافزاییم.  
مانند: معلم، معلمان نیکمرد، نیکمردان، خردمند،  
خرمندان، کار، کارها، کتاب، کتابها، آهو، آهوان  
بنده، بندهگان خوشخو، خوشخویان.

مشق ۸۲. متن زیر را به دقت بخوانید و بعد آن را در کتابچه خود  
بنویسید. زیر اسمهایی که بصورت جمع آمده است خط بکشید:

## آداب صحبت

شرط صحبت آن است که هر کسی را اندر درجت و ی بدارند.  
چون با پیران به حرمت بودن و با همجنسان به عشرت زیستن و با کودکان

اسم مفرد آن است که بر یکی دلالت کند مثال: شمع،  
درخت، بوت، پیاله و بره

مشق ۷۸. جمله های زیر را بخوانید. بعد آنها را در کتابچه خود  
بنویسید و زیر اسمهای مفرد آن خط بکشید:

معنی زنده گئی کوشیدن است. زنده گئی بدون کار و کوشش بیثم  
است. انسان کار میکند، حیوان کار میکند، ماشین کار میکند. مادر ما  
خاتمه و پدر ما بیرون خانه کار میکنند. کسی که کار نکند گرفتار ناداری  
غم و بدبختی میشود.

مشق ۷۹. دوبیت زیر را بخوانید و ببینید چند اسم مفرد در آن به کار  
رفته است:

مرد را گر بر ند بند از بند      فتواند دل از وطن بر کند  
خانه دوست در کف دشمن      ندهد هیچ مرد غیر تمند

مشق ۸۰. جمله های زیر را در کتابچه خود بنویسید و جاهای خالی  
هر جمله را با نوشتن يك اسم مفرد مناسب پر کنید:

۱. شاگردان دست به ... هم دادند.

۲. بهترین رفیق زندگی انسان ... است

۳. داستانها و قصه هاسینه به ... از پدران به فرزندان و از نسلی  
به ... دیگر میرسد.

۴. مادری که ... خود را گم کرده بود، سر اسیمه و در به ...  
دنبال او میگشت.

شفقت برزیدن. چنانکه پیران را اندر درجه پدران دانند و همجنسان را اندر درجه برادران و کودکان را اندر محل فرزندان و از حد پرهیز و از کینه اعراض کنند و نصیحت از هیچکس دریغ ندارد. و روانیست اندر صحبت یکدیگر را غیبت کردن و خیانت بوزیدن و به قول و فعل با یکدیگر انکار کردن.

(کشف المحجوب)

مشق ۸۳. در تبریکنامه زیر متوجه شوید که اسمها هم با (ها) وهم با (آن) جمع شده است. شما نامه رادو کتابچه خود بنویسید و زیر جمعهای آن خط بکشید:

تبریکنامه

دوست گرامی شفیق جان!

کامیابی شما را در امتحانهای ماهانه و سالانه تبریک میگویم. اول نمره گوی شما مایه خوشی و افتخار همه دوستان و وابسته گان گردیده است. من این موفقیتها را هنوز برای شما کافی نمیدانم. آرزو مندم که در آینده نزدیک در اثر کار و کوشش بیشتر به درجه های بلندتری نایل شوید و برای خدمت به مردمان و زحمتمکشان و وطن عزیز ما افغانستان آماده گردید.

کلمه های که به (ه) غیر ملفوظ یا پسوند (ه) مختوم باشند، چون جمع شوند در آخرشان پسوند (گان) آورده شود مثل زنده، زنده گان، بنده، بنده گان مورچه، مورچه گان، تشنه، تشنه گان، خفته - خفته گان. در جمع بستن، کلمه های مختوم به (ه) غیر ملفوظی (ها) غیر ملفوظ به حال خودش گذاشته شود مثل خانه - خانه ها، جامه - جامه ها، پیشه - پیشه ها، ریشه، ریشه ها. اگر کلمه با «الف» یا «واو» ختم شده باشد در جمع کردن به آخرشان پسوند «یان» و «آن» آورده شود مثل دانا، دانا یان - بینا، بینا یان - ترسا، ترسا یان - پیشوا، پیشوا یان - خوشخو - خوشخویان - نیکو، نیکویان - ابرو، ابرویان - آهو - آهویان

مشق ۸۴. اسمهای زیر را که به صورت مفرد آمده اند در کتابچه خود بنویسید و آنها را جمع کنید و صورت جمع آنها را در جمله ها استعمال کنید: لانه، خزنده، پشه، پرنده کتاب، دختر، اسپ  
مثال: خزنده گان - خرنده گان در فصل تابستان زیاد میشوند:  
مشق ۸۵. جمله های زیر را بخوانید در جمله ها (اسمها) به صورت (جمع) به کار رفته است شما در کتابچه خود جدولی بسازید که دو ستون داشته باشد. در یک ستون آن مفرد و در ستون دیگر

مشق ۸۷. به رسم ببینید و به سوالهای زیر پاسخ گوید:



۱. دیدن این منظره چی رابه خاطر می آورد؟

۲. مردم به چی مصروف استند؟

۳. بچه ها چی میکنند؟

۴. نهالشان چی فایده دارد؟

جوابهارا به عبارت خود بنویسید:

### ساختمان اسمها

معلومات در باره اسمهای ساده مشتق و مرکب

اسم ساده

مشق ۸۸. کلمه های زیر را بنویسید و دقت کنید که

هر یک آن از چند ریشه ساخته شده است:

کتاب، شهر، باغ، قلم، خانه، داس، انبور.

جمع آن را نشان دهید.

۱. نسرین کتابهای زیاد مطالعه میکند.

۲. او مقاله های زیاد مینویسد.

۳. بعضی از حیوانات وحشی، درنده اند نزدیک شدن به آنها خطر

دارد.

۴. شاگردان مکتب نهالهارا آب میدهند.

۵. دهقانان در زمینها تخم میکارند.

مفرد	جمع
درنده	درنده گان

مثال:

مشق ۸۶. بیتهای زیر را بخوانید سپس اسمهای آن را به صورت

جمع آمده است بیرون نویس کرده در جمله ها استعمال نمایید:

گویی که رشته های عقیق است و لاجورد

از لاله و بنفشه همی روی مرغزار

این سازها که ساخت بهار، از پی کی ساخت؟

امسال چون زیبارفزون ساخته نگار؟

باغی کزوبریده بود دست حادثات

کاخچی چوروزگار جوانان امیدوار

درختان راهمه پوشش پرند و پر نیاں باشد

هوای بوستان همچون هوای دوستان باشد

(فرخی سیستانی)

اسم ساده آنست که تنها يك جز داشته و متشکل از يك ریشه باشد. مثال:  
زنبور، گربه، دست و روباه

مشق ۸۹. متن زیر را بخوانید و اسمهای ساده آن را که زیرشان خط گرفته شده است رو نویس کنید:

### زنده گی در دهها

در تابستان دهها خیلی قشنگ و زیبا میشود در روزهای رخصتی با پدرم به باغچه میروم. در آنجا دو گوسفند دارم. از درختهای سیب، ناک و شفتالو میوه میچینم و با خود برای مادرم میآورم. مادرم از گرفتن میوهها بسیار خوش میشود. در دهها زنده گی شیرین است. هوای آنجا بی گردوغبار است، چرا که در آنجا عراده ها کمتر تردد دارد. باغها سرسبز و شاداب و چمنها پر گل میباشد. انسان از دیدن آنهمه شادابی خوشی عجیبی احساس میکند. در دهها زنها با مردان یکجا در مزرعه کار میکنند. دخترها گاو و گوسفندان را برای چراندن به چراگاههای سرسبز میبرند:

مشق ۹۰. با کلمه های مادر، ده، مزرعه، جمله ها ترتیب دهید و بنویسید،

مشق ۹۱. شعر زیر را بخوانید و آن را در کتابچه خود بنویسید. بعد زیر اسمهای ساده خط بکشید:

### درس ما درس کوشش و کار است

مانها لان باغ عرفانیم	زاده خاك پاك افغانیم
طفل امروز و مرد فردا ایم	درس خدمت به خاك میخوانیم
گرز گردیز و پیابد خشانیم	باز غورات ویرا سمنگانیم
گرز غزنی و یاز لغمانیم	باز بغلان و یاز پروانیم
همه اولاد قوم افغانیم	فرض خود خدمت و وطن دانیم
خاك ما خاك سبز و شاداب است	صاحب نعمت فراوانیم
کوه و دشت و وطن گلستان است	ما نگهبان این گلستانیم
بیل و داس و تبر به شانه ما است	مست و شادان جوان دهقانیم

درس مادرش کوشش و کار است

ما کتاب حیات میخوانیم

اسم مشتق (ساخته)

مشق ۹۲. ریشه، پسوند و پیشوند اسمهای زیر را جدا کرده

رو نویس کنید:

همسایه، همراه، همفکر، لاله زار، گلستان، آموزشگاه، سبزه

و چشمه مثال: هم + سایه، چشم + ه



اسمهای مشتق (ساخته) از يك کلمه مستقل اسم و میشوند و پسوند ساخته میشوند .

مثال: اسم مشتق «پخته زار» از کلمه مستقل پخته و پسوند «زار» ساخته شده است. اسم مشتق «همدرس» از کلمه مستقل درس و پیشوند «هم» ساخته شده است. اسم مشتق «سبزه» از صفت سبز و پسوند (ه) ساخته شده است.

مشق ۹۳. جمله‌های زیر را بخوانید و به اسمهای که زیر آنها خط کشیده شده است دقت کنید:

۱. در سفر اگر همسفر خوب باشد راه نزدیک میشود.
۲. ما با همسایه های خود رابطه نیک داریم.
۳. علم اگر همراه با عمل باشد سودمند است.
۴. شریف و اسلم با هم همکار اند.

در جمله های بالا کلمه های (همسفر، همسایه، همراه، همکار) اسمهای مشتق (ساخته) میباشند که از يك کلمه مستقل یعنی (اسم) و يك پیشوند (هم) ساخته شده است به ترتیب زیر:

۱. همسایه. از پیشوند (هم) و اسم (سایه) ساخته شده است.
۲. همسفر. از پیشوند (هم) و اسم (سفر) ساخته شده است.

۳. همراه. از پیشوند (هم) و اسم (راه) ساخته شده است.

۴. همکار. از پیشوند (هم) و اسم (کار) ساخته شده است.

مشق ۹۴. در زیر، چند ریشه (اسم ساده) و چند اسم مشتق

و چند جمله نامکمل داده شده است. شما آن جمله های نامکمل را با کلمه های داده شده در کتابچه خود بنویسید و جاهای خالی جمله ها را بایکی از دو کلمه داده شده به صورت مناسب پر کنید:

### صحبت - همصحبت

نمونه ها:

۱. معلم دری مادیر و ز پیش از شروع درس چند دقیقه را جمع به تاریخچه زبان دری، با ما صحبت کرد.
۲. کتاب بهترین همصحبت است با انسان.

### رزم - هم‌رزم

۱. فردوسی در شاهنامه خود از رستم و اسفند یار داستان شور انگیزی دارد.
۲. رستم قهرمان شکست ناپذیر و اسفند یار روئینتن دو هم‌رزم اند، هر دو نیرو و قدرت شگفت آوری دارند.

### فکر - همفکر

۱. گوته برگ آلمان از آغاز جوانی در همفکر آن بود تا صنعت چاپ رواج دهد.

۲. همه افراد کشور ما در نابود ساختن ارتجاع با هم — اند.  
مشق ۹۵. در زیر جمله‌هایی را میخوانید که زیر ریشه (اسم ساده) آن خط کشیده شده است:

۱. در زبان دری از زنان شاعر هیچکس به پایه رابعه بلخی نرسیده است.

۲. کشور ماخانه ماونیاکان مسا است، لذا در حفاظت آن از دل و جان می‌کوشیم.

۳. نهفتن راز دوست خصلی از خصلیتهای انسانیست.

۴. کلمه‌هایی که در نوشتن و تلفظ شکل شان یسکی باشد ولی معنی مختلف داشته باشند متشابه می‌باشند.

۵. اکثر ممالک سن شمول در مکتب راسن هفت ساله گوی تعیین کرده اند.

حالی شما در کتابچه خود جمله‌های بسازید که هر کدام آنها به ترتیب، اسم مشتق جمله‌های بالا را داشته باشد.

نمونه: پایه - همپایه

مشق ۹۶. متن زیر را بخوانید و به اسم‌هایی که زیر آن خط گرفته شده است دقت کنید:

### افغانستان

افغانستان کشور عزیز ما است. افغانستان یک مملکت کوهسار است. به نسبت موجودیت دریاها و کوهها و چمنزارها کشتزارها فراوان و آب

و هوای بسیار گوارا دارد. تاکستانهای زیاد در کشور سبب فراوانی انگور شده است. در سبزه زارهای وطن ما ریشه‌های گوسفند و گله‌های اسب می‌چرند. این وطن از نیاکان ما به یادگار مانده است. وظیفه خود میدانیم که در نگرهبانی، آبادانی و حفظ استقلال وطن خود، تا آخرین رمق حیات بکوشیم.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (افغانستان، کوهسار، چمنزار، کشتزار، سبزه زار و تاکستان) اسم مشتق (ساخته) می‌باشند که از یک کلمه مستقل اسم (ریشه) و پسوند «ستان» ساخته شده است به ترتیب ذیل:

۱. افغانستان: مشتق است از اسم یاریشه (افغان) و پسوند (ستان)

۲. کوهسار: مشتق است از اسم یاریشه (کوه) و پسوند (سار)

۳. چمنزار: مشتق است از اسم یاریشه (چمن) و پسوند (زار)

۴. کشتزار: مشتق است از اسم یاریشه (کشت) و پسوند (زار)

۵. سبزه زار: مشتق است از اسم یاریشه (سبزه) و پسوند (زار)

۶. تاکستان: مشتق است از اسم یاریشه (تاک) و پسوند (ستان)

مشق ۹۷. با استفاده از کلمه‌های زیر جمله‌ها را تکمیل کرده

در کتابچه خود بنویسید:

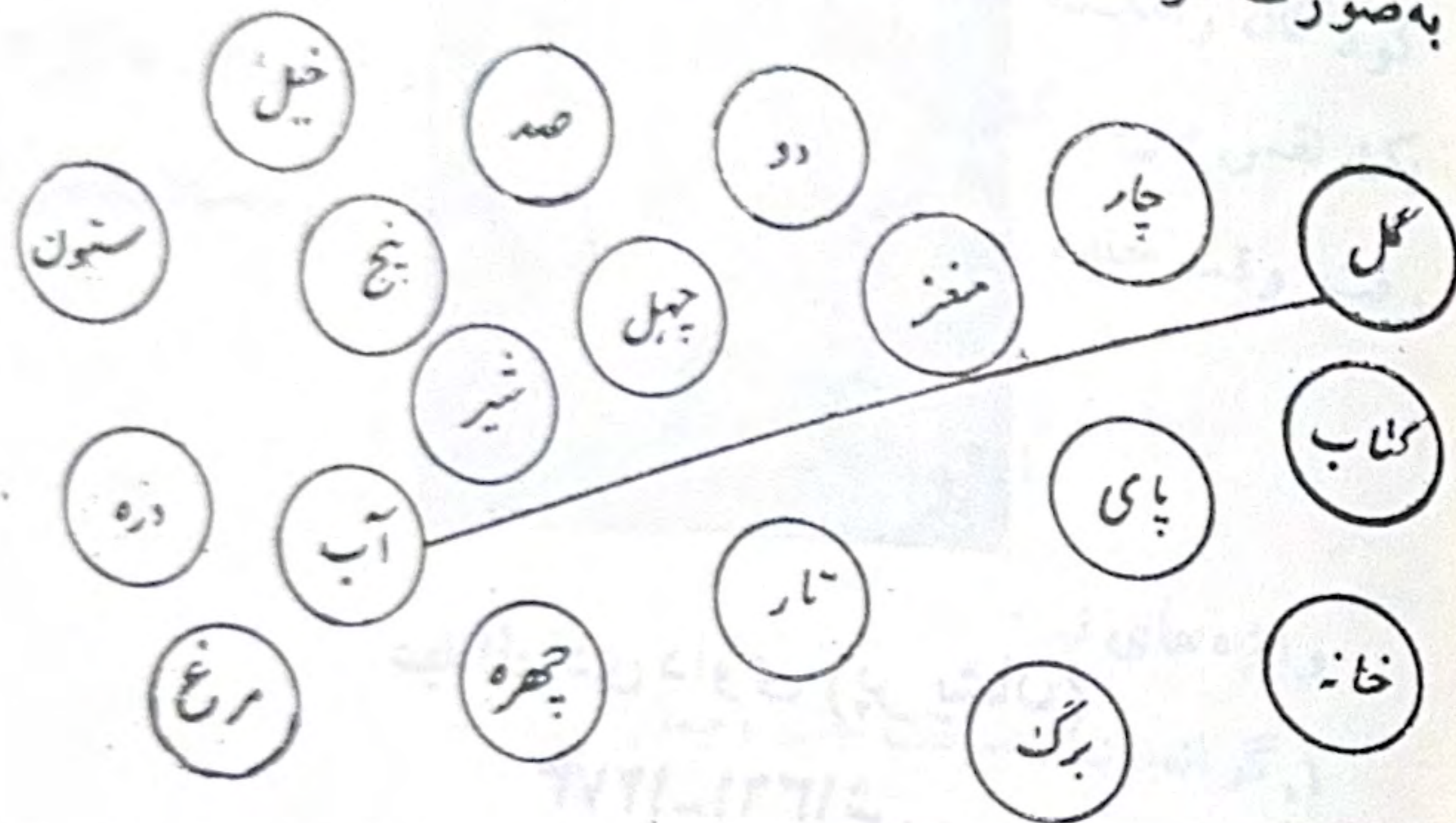
۱. شکار - شکارچی

۲. تماشا - تماشاچی

۳. توله - توله‌چی

اسم مرکب اسمیست که از دو یا زده ریشه ساخته شده باشد.  
 مثال: کتابخانه، چار مغز، دوتار، گلخانه و گلاب.

مشق ۹۹. در دایره‌ها ریشه کلمه داده شده است شما آن ریشه‌ها را به صورت درست پیوست کنید و از آنها اسمهای مرکب بسازید:



مشق ۱۰۰. جمله‌های زیر را بخوانید و اسمهای مرکب آن را در کتابچه خود بیرون نویس کرده بعد در جمله استعمال نمایید.

۱. شتر مرغ یکی از پرندگان بزرگ اندام است.
۲. نیشکر در ولایت ننگرهار کشت میشود.
۳. گوشخزک حشره‌ایست که پاهای زیاد دارد.
۴. دیروز پدرم یک دستبند برای خواهرم خرید.
۵. خاکروب هر روز سر کهار اجار میکند.

مشق ۱۰۱. اسمهای مرکب زیر را در جمله‌ها استعمال کنید:  
 سرنوشت، کوهنورد، بوت دوز، یکدل

نمونه:

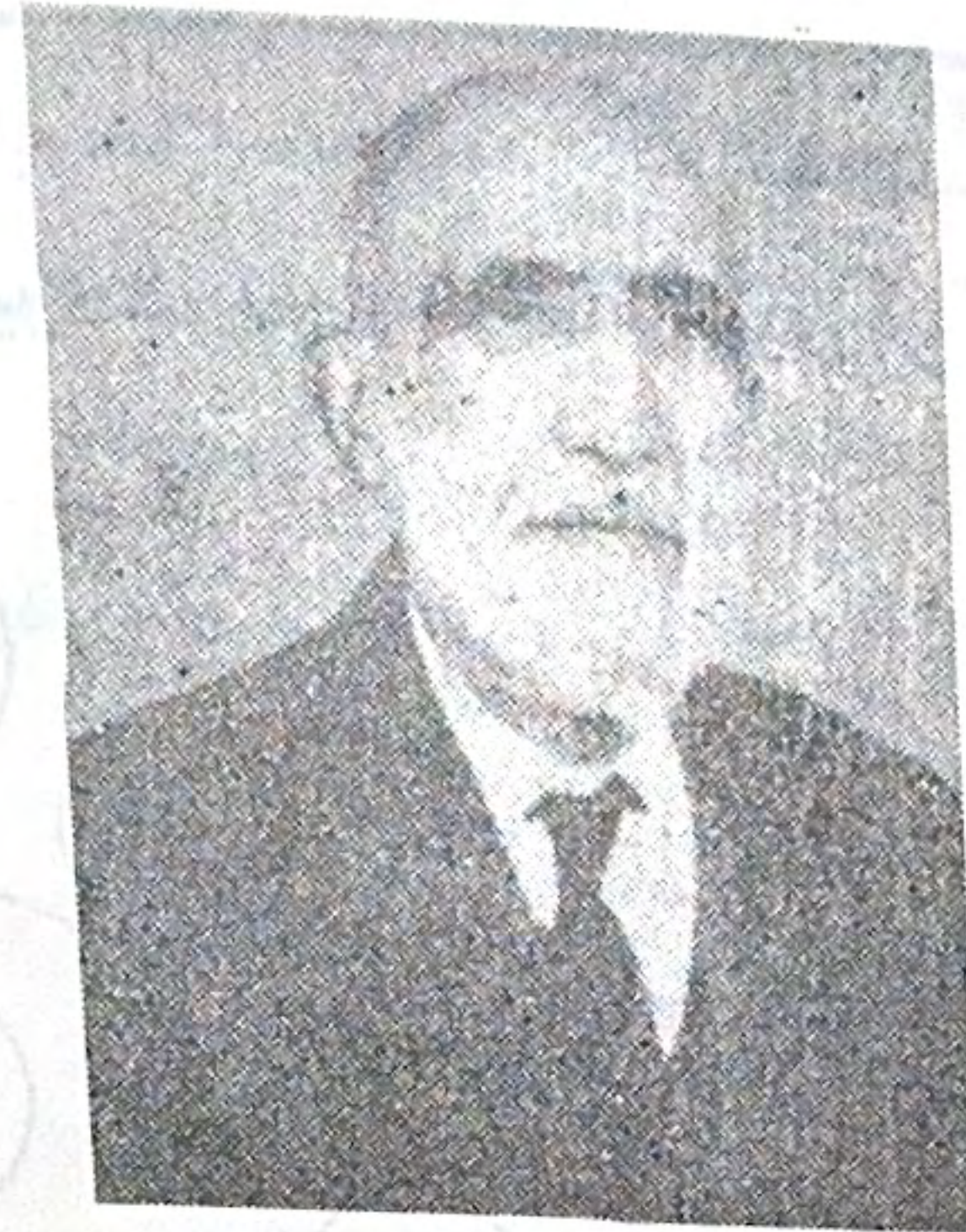
۱. برای آنکه نسل حیوانات اهلی و وحشی در مملکت ما گم نشود شکار آنها جایز نیست.
۲. همسایه ما پرویز — خوبی است.
۳. دیروز با پدرم به — ی بزمی رفتیم.
۴. برای تماشای مسابقه فوتبال — زیادی در ستودیم و ورزش جمع شده بودند.
۵. چوپان بچه‌ها هنگامیکه گوسفندان خود را به چرا میبرند، در بین راه — میزنند.
۶. در بین توله‌ها شیر محمد — شهرت زیاد دارد.

### اسم مرکب

مشق ۹۸. به اسمهایی که در جمله‌های زیر آمده و در زیر هر کدام شان خط کشیده شده است توجه کنید و ببینید که هر یک آن از چند ریشه ساخته شده است:

۱. در مکتب ما یک کتابخانه هست.
۲. خوردن چار مغز فایده دارد.
۳. دوتار یکی از آلات موسیقی است.
۴. در زمستان گلها را از باغچه میکشند و در گلخانه میگذارند.
۵. گلاب خوشبو تر از دیگر گلهاست.

## ادبیات معاصر از ۱۹۰۰ تا امروز



عبدالهادی داوی (پرشان)

۱۲۷۳-۱۳۶۱ ش .

### تابکی

- تابکی اولاد افغان تا بکسی ؟      تابکی هان تابکسی هان تابکی ؟  
 کوکوی مرغ سحر آمد به گوش      خرخر خواب ای گرانجان تابکی ؟  
 نور بیداری جهانی را گرفت      خواب غفلت ای حریفان تابکی ؟  
 سبزه خوابیده هم برداشت سر      بر نمیداری تو مژگان تابکی ؟  
 میرسد آواز سیل از راه دور      تو به خواب ای خانه ویران تابکی ؟  
 میوزد باد خزان در چمن      شوق گلگشت بیابان تابکی ؟

- بایدت بر خال خویشت خون گریست      سیر آنها رو گلستان تابکی ؟  
 شوق تعمیر سرای و خانه چند      خا کبازی همچو طفلان تابکی ؟  
 روزگار و روزگار عبرت است      خواب راحت در شبستان تابکی ؟  
 هست مکتب جان ملت جان من      تابکی باشیم بیجان تابکی ؟  
 کودکان را مکتب است و مدرسه      خا کبازی در بیابان تابکی ؟  
 یک نفس سردرگریان در کنید      فکر کالر ای جوانان تابکی ؟  
 رفت وقت خنده و هزل و مزاح      خورد سالی خورده سالان تابکی ؟  
 ای قلم آخر زبانت میبرند  
 اینقدر حرف ( پریشان) تابکی ؟

### واژه های نو :

۱. گرانجان : سخت جان و بیمار
  ۲. بایدت : ترا باید
  ۳. افهار : جویها و جمع نهر
  ۴. عبرت : پند آموختن
  ۵. شبستان : خوابگاه و قسمتی از مساجد بزرگ
  ۶. در کردن : داخل کردن
  ۷. هزل : شوخی و مزاح
- پر سشها :
۱. داوی در این شعر به کی خطاب کرده است ؟

۲. سرای و خانه ساختن را به چي تشبيه کرده است و چرا؟  
شاعر ما را به چي چيزی دعوت میکند و از ما چي ميخواهد؟

سپارش:

این شعر را یاد کنید.



استاد قاری عبدالله

۱۲۴۷ - ۱۳۲۲ ش.

برف

بیا که برف کنون نقره فام میبارد

هوای روشن او سیم خام میبارد

برای تشنه لبهای کشت تیر مهی  
هوای برف چه خوش جام-جام میبارد  
صبا بگویی به دهقان کارگر از ما  
بیا که برف کنون خوش به کام میبارد  
مگو که برف به اطفال سبزه بی مهر است  
بین چسی گونه به میل تمام میبارد  
زمین کابل مانقره کار تنها نیست  
که ابر دامنه دار است و عام میبارد  
پی تدارک خشکی جدی تر بر فی  
گرفته پی به پی و صبح و شام میبارد  
قیاس نظم جهان میتوان ز برف گرفت  
که دانه دانه او با نظام میبارد  
به هر طرف نگری برگ نسترن ریزد  
اگر به روی زمین ورهه بام میبارد  
گرفته است درو دشت را به شوشه سیم  
هوای برف نگویی به بام میبارد  
دگر به ثروت کوهسار ما بیفزاید  
به کوهسار وطن بسکه عام میبارد  
هنوز حرف زمستان مگر سفید نشد  
که برف باز به طور دوام میبارد



عبدالعلی مستغنی

۱۲۵۲-۱۳۱۲ ش.

ملیهن من

نی از گل و نی چمن سرایم      نی سنبل و نی سمن سرایم  
هر گاه که من سخن سرایم      اوصاف تو ای وطن سرایم  
ای هستی و ای وجودم از تو

ای رشته تار و پودم از تو

ای باغ و بهار و ای بهشتم      ای روز نخست سر نوشتم  
مهر تسویه جان و دل سر شتم      تخم عشقت به سینه کشتم

چشمم اول رخ تو دیده

گوشم سخن ترا شنیده

واژه های نو:

۱. فام : مانند

۲. سیم : نقره

۳. تیرمه : فصل خزان

۴. شوشه : گداخته و لوحه

۵. حرف سفید نشدن: در اصطلاح به معنای یکطرفه نشدن و پایان

نیافتن است.

پرسشها:

۱. چرا اشاعر برای برف شعری به این خوبی سروده است؟

۲. بیت هشتم را توضیح کنید.

۳. در کدام يك از شهرهای کشور ما برف کم میبارد و در کدام

يك زياد؟

۴. از روی متن شعر بگوئید، که برف به چی چیزها سود میرساند.

چیزی چو تو دلستان نباشد هرگز چو تو مهربان نباشد  
سودای ترا زیان نباشد جز سودم از این دکان نباشد  
دردهمه را دو اتوباشی  
رنج همه را شفا تو باشی  
ای نشوونمایم از تو باشد هرگونه غذایم از تو باشد  
صد لطف بر ایمن از تو باشد بس مهر و ولایم از تو باشد  
من چون به ره تو سر نیازم  
خاکم بر سر اگر نیازم  
ای از تو قرار وهم شکیم ای مونس جان و ای حبیبم  
دوری ز تو گریه بود نصیبم خوانند به هر کجا غریبم  
دور از تو اگر به باغ باشم  
چون لاله قرین داغ باشم  
اجداد تمام در تو آسود از یاد تو جمله ایسم خوشنود  
یکسر همه ایمن از تو مسعود حاصل همه راست از تو مقصود  
ای بود تو هست و بود ما را  
سودای تو عین سود ما را  
جان را سپهر بستانماییم تن را چون توتیا نماییم  
سردر قدمت فدا نماییم تا حق ترا ادا نماییم  
ای راحت ما و ما من ما  
ای منزل ما و مسکن ما

ای راحت و ای قرار ما را ای مسکن و ای دیار ما را  
ما سبزه و تو بهار ما را ما عاشق و تو نگار ما را  
دامان تو گلشن اهالی  
آغوش تو ما من اهالی  
آن کس که نخواهد آبرویت آن دل که ندارد آرزویت  
آن سر که نگشت خاک کوبیت آن چشم که نیست محورویت  
با محنت و غم قریب بادا  
از عیش تو بسی نصیب بادا  
گر عیب ترا هنر ندانم گرزهر ترا شکر ندانم  
گر سنگت ترا گهر ندانم من قدر ترا اگر ندانم  
تقدیرم در بدر نماید  
غربت خاکم به سر نماید  
گر خصم بدت کمین نماید تا قصد تو گلزمین نماید  
کی رخس مراد زین نماید آن کیست که این چنین نماید  
ما جمله مگر هلاک باشیم  
یکسر در زیر خاک باشیم  
بدخواست اگر نماید آهنگ سازیم جهان به دیده اش تنگ  
کوبیم سرش چو ما بر سنگ سازیم زمین ز خون او رنگ  
باراحت و خواب و خور نمازیم  
تا از وطنش بدر نمازیم

« مستغنی » اگر وطنپرستی  
بامهر و وطن چو عهد بستی  
پیمان مخالفت شکستی  
از دغدغه خلاف رستی

مسعود به هر دودار گردی  
معروف به هر دیار گردی

واژه های نو:

۱. ولا: محبت و دوستی
۲. توتیا: سنگیست، که کوبیده آن را بر چشم میمالند.
۳. دغدغه: نگرانی و تشویش
۴. دار: دنیا و خانه
۵. رخس: نام اسپ رستم پهلوان نامدار آریانا و به صورتها

نام هراسپی

پرسشها:

۱. ما چرا وطن خود را دوست میداریم؟
۲. در این شعر شاعر میهن خود را به چی مانند کرده است؟
۳. مخاطب شاعر کیست؟

سپارشها:

۱. اگر در باره وطن شعری به یاد داشته باشید، در صنف بخوانید.
۲. کوشش کنید، درباره وطن مضمون یا شعری پیدا کرده  
در کتابچه هایتان بنویسید.

حاجی اسماعیل سیاه

۱۲۳۲-۱۳۲۴ ش.

شکایت از ستمگران

دوشینه بلبلی به نواخواند زار- زار  
یار ب چمان رسد ز پی این خزان بهار؟

آیا گهی بود که ببینم به چشم خویش  
هیئت ز شهر گم شود و میرا ز مزار

تا کی به فرق بالش عزت به خواب ناز  
زانسان سری که هست سزاوار پای دار

هم خانه میبرند هم از شوق میخورند  
گرو قف و نذر و هدیه مسمی شود منار

ظلمی که بر رعیت مظلوم میرود  
از دست جور محصل و تکلیف کار دار

حقا که بود و باش محل معاش نیست  
جز دفع ظلم ظالم یا عدل یا فرار

چرخ از بدین روش دو سه روزی قدم زند  
سنگ سیاه بار دازین نیلگون حصار

علاقه بگسلند خدا یا هدایتی  
قومی که هست بر سر مردم علاقه دار